

کتابخانه رضوی

KETAB_E_RAZAVI

ماهنامه اختصاصی کتاب انتشارات آستان قدس رضوی
دوره جدید، شماره بیست و سوم، تیر و مردادماه ۱۴۰۵



در نوزده روایت

روایت رونمایی از کتاب «گاه گمشدگان»

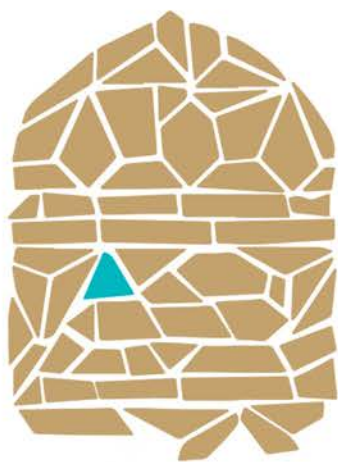
▼ آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای

از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گرا می‌کایی است.

▼ تولیت معزز آستان قدس رضوی

این گونه نیست که هر کس اراده کرد، بتواند درباره این ذوات مقدسه، اولیای الهی و برگزیدگان خداوند متعال قلم بزند، شعر بگوید و درباره آنان اثر خلق کند؛ این عرصه، صرفاً عرصه اراده و توانایی قلم نیست؛ توفیق و عنایت نیز لازم است.

خدایا من گواهی می‌دهم که حسین
ولی تو و فرزند ولی تو و برگزیده تو
و فرزند برگزیده توست، حسینی که
به کرامت رسیده و او را به شهادت
گرامی داشتی و به خوشبختی ویژه‌اش
ساختی و به پاکی ولادت برگزیدی و او
را آقایی از آقایان و پیشروی از پیشروان
و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی و
میراث‌های پیامبران را به او عطا کردی
و او را از میان جانشینان، حجت بر
بندگانت قرار دادی و در دعوتش جای
عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی
دریغ نورزید. فرازی از زیارت شریف اربعین



بسم الله الرحمن الرحيم



شناسنامه: کتاب رضوی،
ماهنامه اختصاصی کتاب آستان قدس رضوی
شماره بیست و سوم، تیر و مرداد ماه ۱۴۰۵

مدیر مسئول: مسعود فرزانه
سر دبیر: عطیه هراتی مطلق
با سپاس از: فاطمه آقاخان، مهسا پایسته، وجیهه تقی زاده
سمیه جمالی، هادی خورشاهیان، ربابه عطایی، رضا عرب‌پور
نصراله قادری، علیرضا محمودی ایرانمهر، مجتبی گل مزرچی، زهرامؤذنی
تشکر ویژه از: فریدالدین حداد عادل، مهدی قزلی
طراحی گرافیک: استودیو نبی (رضا نبی‌زاده)
دارای پروانه انتشار به شماره:
۹۳۹۹۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۶۶ **اخبار:**

فروشگاه گردی:

انسجام بخشی به فرهنگ سازمانی در پرتو تعلق سازمانی... ۸۰
در کتابفروشی‌های به نشر چه خبر است؟... ۸۲
فروشندگان برتر... ۸۴
پرفروش‌های ماه... ۸۶

در راه... ۹۲
تماس با ما... ۹۵

ماه نشـنـر:

معرفی کتب منتشر شده در این ماه... ۳۶

ادبیات دینی:

روایتی از یار گمنام امام سجاد... برای نوجوانان... ۴۱
قصه‌های نگفته - بخش هشتم... ۴۶

کتاب روی میز:

از خطه جنوب... ۴۹
وقتی شهر آرام بود... ۵۲
گاو ماهی؛ افسانه یا حافظه زخمی... ۵۶

خط و پی‌نـه:

عروس کتابخوان آقا... ۶۲

۴ یادداشت سردبیر

پرونده: ۱۹ روایت

جریان مستمر ادبیات رضوی... ۶
روایت معارف رضوی با زبان امروز... ۱۶
این روایت‌های صادقانه... ۱۸
یک زیارتنامه دسته جمعی... ۲۲
تجربه ای از ایمان... ۲۴

کتاب رضوی:

آن قدر که بتوانی... ۲۸
ارادت بنما تا سعادت بیبری... ۳۱
حرف آخر... ۳۳

شبکه‌های اجتماعی: ۰۹۰۲۷۶۵۲۰۰۸ - @behnashr
اینستاگرام: @behtarinhayeh_nashr
نشانی اینترنتی: www.behnashr.ir
پست الکترونیکی: publishing@behnashr.com

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد، ص.پ ۴۹۶۹/۹۱۳۷۵
تلفن و دورنگار: ۳۷۶۵۲۰۰۸
دفتر تهران: تلفن و دورنگار: ۸۸۹۶۰۴۶۶
سامانه پیامکی: ۳۰۰۳۲۰۹



یادداشت سردبیر:
عطیه هراتی مطلق

ما امام رضا علیه السلام داریم

این حرف و توصیه همیشگی زنده یاد استاد سعید تشکری بود که به نوqلم ها توصیه می کرد درباره امام رضا علیه السلام تکراری ننویسند و کمی از حوض و گنبد و کاشی های فیروزه ای فاصله بگیرند و از زاویه دید دیگری به تناسبات و ارتباطات آدم ها با امام رضا علیه السلام نگاه کنند. او که خود در آثارش، امام هشتم همواره می درخشید همه را دعوت می کرد به جور دیگر دیدن و فاصله گرفتن از کلیشه ها. دیدن چالش های آدم ها با امام رضا علیه السلام، قصه ساختن با تجربه های متفاوت آدم ها در مواجهه با یک امر قدسی همچون زیارت و روایت مواجهه های متنوع و متکثر و متفاوت مردمان با وجودی به نام امام رضا علیه السلام.

روزگاری که تشکری این دغدغه ها را در حوزه داستان رضوی مطرح می کرد، روایت نویسی در حوزه زیارت این همه جدی نشده بود؛ اما امروزه کتاب های روایت و بیان جستارها و تجربه های زیسته آدم ها از زیارت، آثار خواندنی و پرترفداری شده اند که خواننده پس از خواندنشان حالش خوب می شود و همانند بهجت بعد از زیارت امام رضا علیه السلام، حال خوشی بهش دست می دهد که مشابه اش در دنیای شلوغ و دودی این روزها کمتر پیدا می شود. ما در به نشر همانند استاد تشکری خدایا مرز تاکید داریم که برای نوشتن از امام رئوف به دنبال زاویه دیدهای متفاوت باشیم و به سلیقه ها و دیدگاه های مختلف فرصت قلم زدن بدهیم؛ نتیجه این فرصت سازی از تصوراتمان و پیش بینی هایمان بهتر و موفق تر درآمد و خوانندگان در پای صندوق های خرید کتاب فروشی ها این پیام را به ما رسانند که خواندن این روایت های متنوع از مواجهه با امام رضا علیه السلام را در کتاب "قرار با خورشید" دوست داشته اند. با این انگیزه و نیازسنجی کتاب "گاه گمشدگان" نیز منتشر شد و امیدواریم در سال های بعد از آدم های بیشتر و خطوط فکری متنوع تری روایت های امام رضایی داشته باشیم.

شاید هم بد نباشد برویم سراغ نقش ها و مشاغل مختلف؛ مثلاً اهالی دستگاه قضا، جامعه پزشکی، معلم ها، دانشجوی ها، مهندس ها، پاکبان ها... بالاخره هر کسی در جایی از این سرزمین نسبت منحصر به فردی با امام رئوف در زندگی اش دارد که شاید روایت این نسبت جالب و خواندنی باشد. امام رضا علیه السلام در قلب های ما ایرانی ها تکثیر شده و صفحه ای از زندگی همه ما روایتی از مواجهه با اوست که با بقیه روایت ها فرق دارد و تنها عنصر مشترکش این است که همه ما امام رضا علیه السلام داریم...



در نوزده روایت

کتاب «گاه گمشدگان» با ۱۹ روایت از تجربه‌های شخصی و متفاوت مواجهه با امام رضا (ع)، در آیینی با حضور جمعی از نویسندگان و اهالی فرهنگ و ادب رونمایی شد؛ اثری که در امتداد تجربه موفق «قرار با خورشید»، روایت فردی زائران را به بستری برای بازخوانی نسبت عمیق ایرانیان با فرهنگ رضوی تبدیل کرده است. این مراسم، صبح شنبه ۱۷ مردادماه، با حضور جمعی از نویسندگان اثر، مدیران فرهنگی و اهالی ادبیات و با حضور تولیت معزز آستان قدس رضوی در سالن همایش سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی برگزار شد. مژده لواسانی نیز اجرای این آیین را برعهده داشت.



این اثر به کوشش مهدی قزلی و از سوی انتشارات به نشر منتشر شده و تجربه منحصر به فردی از زیارت و حرم مطهر رضوی را در برمی گیرد.

جریان مستمر ادبیات رضوی

بیانات آیت الله احمد مروی، تولیت معزز آستان قدس رضوی

آیت الله احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی، در آیین رونمایی از کتاب گاه گمشدگان با خیرمقدم به نویسندگان، هنرمندان و اهالی قلم، اظهار کرد: توجه به روایت و داستان در انتقال مفاهیم دینی، ریشه در آموزه‌های قرآن کریم دارد و در بسیاری از سوره‌های قرآن، داستان زندگی پیامبران الهی برای هدایت و تربیت انسان بیان شده است. وی با اشاره به تکرار داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون در سوره‌های مختلف قرآن افزود: داستان حضرت موسی علیه السلام تنها در سوره قصص مطرح نشده، بلکه در سوره‌هایی همچون طه، بقره و بخش‌های دیگری از قرآن کریم نیز به آن پرداخته شده است؛ همچنین سوره یوسف علیه السلام به صورت گسترده سرگذشت این پیامبر الهی را روایت می‌کند.



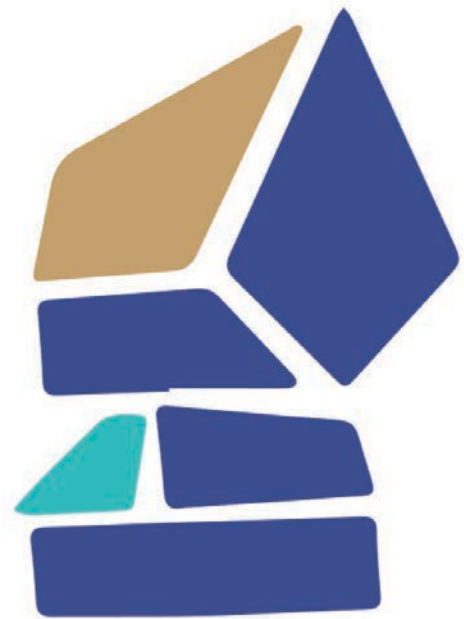
تولیت آستان قدس رضوی تصریح کرد: قرآن کریم کتاب داستان نیست، اما خداوند متعال که خالق انسان و آگاه به فطرت و ذائقه اوست، از ظرفیت داستان برای انتقال و تثبیت مفاهیم صحیح استفاده کرده است؛ زیرا انسان بسیاری از مفاهیم را هنگامی که در قالب روایت و داستان دریافت می‌کند، بهتر می‌فهمد و مدت بیشتری در ذهن خود حفظ می‌کند.

آیت الله مروی با بیان اینکه ماندگاری پیام در قالب‌های هنری بیشتر است، ادامه داد: شعر نیز از جمله قالب‌هایی است که به دلیل ساختار خاص خود، قابلیت ماندگاری و حفظ شدن در حافظه انسان را دارد، در حالی که حتی یک متن ادبی بسیار فاخر و ارزشمند ممکن است به آسانی در ذهن باقی نماند و حفظ کردن آن دشوار باشد.

وی با اشاره به ظرفیت آثار ادبی فاخر در انتقال مفاهیم گفت: در تاریخ ادبیات معاصر و گذشته، آثار ارزشمند و برجسته‌ای توسط نویسندگان مختلف خلق شده است، اما تفاوت مهم شعر و متن در این است که شعر به دلیل ساختار و موسیقی خاص خود، قابلیت بیشتری برای حفظ شدن و انتقال سینه‌به‌سینه دارد. هنگامی که یک مفهوم، پیام یا آموزه در قالب داستان، شعر و روایت بیان شود، این مفهوم در جان و ذهن انسان جای می‌گیرد و اثرگذاری آن افزایش پیدا می‌کند؛ از همین رو شعر و روایت در تاریخ اسلام نیز جایگاه بسیار بلندی داشته است.

وی با اشاره به توجه ائمه اطهار علیهم‌السلام به شاعران و شعر متعهد اظهار کرد: در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی وجود دارد که ائمه اطهار علیهم‌السلام از شاعران حمایت و آنان را مورد تکریم قرار داده‌اند؛ چراکه می‌دانستند وقتی مفاهیم دینی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام در قالب شعر بیان شود، قابلیت ماندگاری بیشتری در حافظه مخاطبان خواهد داشت. استفاده از ظرفیت شعر، داستان، رمان و ادبیات برای انتقال مفاهیم دینی، تنها یک انتخاب هنری نیست، بلکه روشی مؤثر برای ماندگار کردن پیام‌ها، ارزش‌ها و معارف در ذهن نسل‌های مختلف است.

وی در ادامه با اشاره به اهتمام رهبر شهید انقلاب به شعر و ادبیات گفت: یکی از موضوعاتی که رهبر معظم انقلاب همواره بر آن اهتمام جدی داشته‌اند، ارتباط با شاعران، نویسندگان، هنرمندان و اهل ذوق بوده است؛ دیدارهای مستمر ایشان با شاعران، به‌ویژه دیدارهای سالانه در نیمه ماه مبارک رمضان، نشان می‌دهد که این جلسات صرفاً برای تفنن و تنوع نبوده است. اگر هدف از این دیدارها صرفاً



در تاریخ ادبیات معاصر و گذشته، آثار ارزشمند و برجسته‌ای توسط نویسندگان مختلف خلق شده است، اما تفاوت مهم شعر و متن در این است که شعر به دلیل ساختار و موسیقی خاص خود، قابلیت بیشتری برای حفظ شدن و انتقال سینه‌به‌سینه دارد. هنگامی که یک مفهوم، پیام یا آموزه در قالب داستان، شعر و روایت بیان شود، این مفهوم در جان و ذهن انسان جای می‌گیرد و اثرگذاری آن افزایش پیدا می‌کند



بسیاری از تجربه‌های
ارزشمند نسل‌های
گذشته اگر ثبت
و روایت نشوند،
با گذشت زمان از
حافظه جامعه فاصله
می‌گیرند؛ اما ادبیات
و روایت می‌تواند این
فاصله را از بین ببرد و
تجربه‌های تاریخی،
معنوی و فرهنگی را
برای نسل‌های بعدی
حفظ کند.

تفنن بود، استمرار آن برای سال‌های طولانی معنا نداشت؛ بلکه این استمرار ناشی از شناخت عمیق رهبر معظم انقلاب از ظرفیت شعر، ادبیات و هنر برای فرهنگ‌سازی و انتقال مفاهیم به جامعه است. رهبر معظم انقلاب در این دیدارها علاوه بر قدردانی و ارزش‌گذاری برای شاعران و نویسندگان، به جریان ادبیات جهت می‌دادند و اهمیت و جایگاه این ظرفیت فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دادند.

آیت الله مروی همچنین با اشاره به اهتمام رهبر معظم انقلاب به مطالعه و تقریظ بر کتاب‌های خاطرات رزمندگان و شهدا اظهار کرد: توجه ایشان به این آثار نیز از همین نگاه سرچشمه می‌گیرد که فرهنگ ایثار، مقاومت، جهاد و شهادت باید از طریق کتاب، خاطره، داستان و رمان زنده بماند و به نسل‌های آینده منتقل شود. بسیاری از تجربه‌های ارزشمند نسل‌های گذشته اگر ثبت و روایت نشوند، با گذشت زمان از حافظه جامعه فاصله می‌گیرند؛ اما ادبیات و روایت می‌تواند این فاصله را از بین ببرد و تجربه‌های تاریخی، معنوی و فرهنگی را برای نسل‌های بعدی حفظ کند.

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر نقش نویسندگان و هنرمندان در این عرصه گفت: اهل قلم با بهره‌گیری از داستان، رمان، شعر و سایر قالب‌های هنری می‌توانند خاطرات، ارزش‌ها و تجربه‌های معنوی مردم را از خطر فراموشی نجات دهند و آنها را به سرمایه‌ای ماندگار برای جامعه تبدیل کنند.

اهل قلم؛ روایتگر گوهرهای پنهان تجربه زائران امام رضا (ع)

آیت الله مروی با اشاره به موضوع این اثر و ظرفیت تجربه‌های زائران امام رضا (ع) اظهار کرد: زائرانی که به حرم مطهر رضوی مشرف می‌شوند، هر کدام خاطرات، تجربه‌ها و حالات معنوی ویژه‌ای دارند که می‌تواند دستمایه تولید آثار ارزشمند ادبی و هنری قرار گیرد. هر زائر در این مکان قدسی ممکن است با صحنه‌ای مواجه شود، خاطره‌ای داشته باشد یا تجربه‌ای معنوی پیدا کند که ارزش ثبت و روایت دارد؛ وظیفه اهل قلم این است که این گوهرهای پنهان را از دل تجربه‌های مردم استخراج کنند و آنها را به زبان هنر و ادبیات در اختیار جامعه قرار دهند.

آیت الله مروی با تأکید بر اینکه حرم مطهر رضوی سرشار از تجربه‌های معنوی است، گفت: کرامت را نباید تنها در اتفاقات خارق‌العاده جست‌وجو کرد؛ بلکه خود حضور عاشقانه مردم در این بارگاه جلوه‌ای از کرامت است.

تولیت آستان قدس رضوی با اشاره به برداشت برخی افراد از مفهوم کرامت اظهار کرد: گاهی افراد هنگام سخن گفتن از کرامات امام رضا (ع)، انتظار دارند نمونه‌هایی مانند شفای بیماری یا وقوع یک اتفاق خارق‌العاده برای آنان نقل شود، در حالی که نگاه عمیق‌تر به کرامت، ابعاد گسترده‌تری دارد.

اینکه انسان‌ها با وجود هزینه‌های سفر، دشواری‌های مسیر و مشکلات زندگی، از نقاط مختلف خود را به حرم مطهر امام رضا (ع) می‌رسانند و با وجود همه سختی‌ها از زیارت خسته نمی‌شوند، خود حقیقتی ارزشمند و جلوه‌ای از کرامت است. زائری ممکن است با توجه به امکانات و شرایط زندگی خود هر ماه، هر سال یا حتی پس از چند سال امکان تشریف پیدا کند، اما در فاصله‌ای که نمی‌تواند به مشهد بیاید، دل او همچنان در حرم امام رضا (ع) است و محبت و دلبستگی او به این بارگاه قطع نمی‌شود. باید درباره این دلدادگی و این سؤال که چه حقیقتی دل‌های انسان‌ها را این‌گونه متوجه و مجذوب امام رضا (ع) کرده است، تأمل و تحقیق کرد؛ پاسخ به همین پرسش‌ها می‌تواند موضوع آثار ارزشمند ادبی و فرهنگی باشد.



اینکه انسان‌ها با وجود هزینه‌های سفر، دشواری‌های مسیر و مشکلات زندگی، از نقاط مختلف خود را به حرم مطهر امام رضا (ع) می‌رسانند و با وجود همه سختی‌ها از زیارت خسته نمی‌شوند، خود حقیقتی ارزشمند و جلوه‌ای از کرامت است.

تولیت آستان قدس رضوی وظیفه نویسندگان را کشف و معرفی تجربه‌های معنوی مردم دانست و گفت: در حرم مطهر رضوی گوهرهای فراوانی وجود دارد که نیازمند نگاه دقیق و گوهرشناسانه اهل قلم است. وی خطاب به نویسندگان و هنرمندان حاضر در این مراسم بیان کرد: شما باید این تجربه‌ها را ببینید، بشنوید و کشف کنید و سپس آن‌ها را در قالب کتاب، داستان، رمان و دیگر قالب‌های هنری به جامعه عرضه کنید.

آیت الله مروی با بیان اینکه این کار آسان نیست، نخستین شرط موفقیت در آن را برخورداری خود نویسنده از معرفت دانست و گفت: کسی که می‌خواهد گوهر را از میان تجربه‌های مردم استخراج کند، ابتدا باید خودش گوهرشناس باشد. همان‌گونه که فردی که برای استخراج طلا به معدن می‌رود باید طلا را بشناسد تا سنگ ارزشمند را از سنگ‌های معمولی تشخیص دهد، نویسنده نیز باید شناخت و معرفت لازم نسبت به امام، امامت و معارف اهل بیت علیهم‌السلام داشته باشد تا بتواند گوهرهای معنوی را از میان خاطرات و تجربه‌های مردم شناسایی کند. اگر نویسنده شناخت کافی نداشته باشد، ممکن است یک تجربه ارزشمند معنوی در برابر چشمان او قرار گیرد، اما به دلیل ناآگاهی، آن را مانند سنگی معمولی ببیند و از کنار آن عبور کند. نویسنده‌ای که در حوزه معارف رضوی قلم می‌زند، باید نسبت به موضوع خود معرفت داشته باشد تا بتواند ارزش واقعی تجربه‌های زائران را تشخیص دهد و آن را درست و اثرگذار به مخاطب منتقل کند. این مسئولیت تنها به کشف تجربه‌های معنوی محدود نمی‌شود، بلکه نویسنده باید در مرحله روایت نیز دقت کند و به مخاطب معرفت بدهد؛ چراکه بیان صرف احساسات، اگرچه می‌تواند تأثیرگذار باشد، اما برای ماندگاری و تعمیق پیام کافی نیست. خاطرات و تجربه‌های معنوی زائران باید به گونه‌ای روایت شود که مخاطب در کنار احساس، آگاهی و شناخت نیز به دست آورد و بتواند معنای عمیق این تجربه را درک کند. همان‌طور که کاشف گوهر باید گوهرشناس باشد، مخاطبی که قرار است این اثر را دریافت کند نیز باید به سطحی از معرفت برسد که ارزش گوهر ارائه‌شده را بشناسد؛ بنابراین آثار ادبی حوزه رضوی باید هم در مرحله تولید و هم در مرحله انتقال، پیوست معرفتی داشته باشند. اگر مخاطب تفاوت میان گوهر و سنگ معمولی را نداند، ممکن است ارزشمندترین حقیقت را نادیده بگیرد؛ از این رو وظیفه اهل قلم، علاوه بر روایت تجربه‌های مردم، کمک به ارتقای معرفت جامعه و تربیت مخاطب آگاه و گوهرشناس است.



نویسنده‌ای که در
حوزه معارف رضوی
قلم می‌زند، باید
نسبت به موضوع
خود معرفت داشته
باشد تا بتواند ارزش
واقعی تجربه‌های
زائران را تشخیص
دهد و آن را درست
و اثرگذار به مخاطب
منتقل کند.



روایت کرامات رضوی باید با عمق معرفتی همراه باشد

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر ضرورت تعمیق معرفت مخاطبان گفت: نویسنده آثار رضوی باید علاوه بر کشف تجربه‌های معنوی، زمینه فهم عمیق‌تر مخاطب از معارف اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم کند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در روایت تجربه‌های معنوی زائران باید مورد توجه قرار گیرد، این است که این روایت‌ها صرفاً به بیان احساسات محدود نشود، بلکه باید همراه با آگاهی، معرفت و عمق‌بخشی به مخاطب باشد. اگر قرار است خاطره‌ای از کرامت، زیارت یا تجربه معنوی یک زائر روایت شود، باید به گونه‌ای بیان شود که مخاطب علاوه بر تأثر و احساس، به درک و شناخت بیشتری نسبت به امام رضا علیه‌السلام، مقام امامت و معارف اهل بیت علیهم‌السلام دست پیدا کند.

آیت الله مروی با اشاره به توصیه‌های رهبر معظم انقلاب درباره ارتباط با نسل جوان گفت: جامعه، به‌ویژه جوانان، نیازمند تربیت عمیق و برخورداری از قدرت تحلیل هستند، نه صرفاً دریافت پاسخ‌های آماده. تولیت آستان قدس رضوی با

اشاره به توصیه رهبر معظم انقلاب به روحانیون و افرادی که نقش هدایت و مرجعیت اجتماعی دارند، تصریح کرد: یکی از تأکیدات مهم ایشان این بوده است که در ارتباط با مردم و به‌خصوص نسل جوان، باید به آنان عمق داد و سطح معرفتشان را افزایش داد. در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی نیز نباید صرفاً تحلیل آماده را در اختیار مخاطب قرار داد، بلکه باید او را به گونه‌ای تربیت کرد که قدرت تحلیل پیدا کند و بتواند در شرایط مختلف،





مسیر درست را تشخیص دهد.

این موضوع درباره آثار فرهنگی و ادبی رضوی نیز اهمیت دارد. نویسنده باید اثری تولید کند که مخاطب را تنها برای لحظاتی تحت تأثیر قرار ندهد، بلکه زمینه رشد معرفتی و فکری او را فراهم کند.

اگر مخاطب پس از خواندن یک داستان یا خاطره درباره امام رضا (ع)، احساس محبت بیشتری نسبت به حضرت پیدا کند و در کنار آن، شناخت و معرفت او نیز افزایش یابد، آن اثر توانسته است به هدف اصلی خود دست پیدا کند.

تولیت آستان قدس رضوی، قلم در مسیر معرفی اهل بیت (ع) را سرمایه‌ای ارزشمند دانست و گفت: گاهی یک شعر، داستان یا کتاب می‌تواند زمینه تغییر مسیر زندگی یک انسان را فراهم کند. نویسندگان و هنرمندان باید بدانند که کاری که انجام می‌دهند تنها تولید یک اثر فرهنگی نیست؛ بلکه ممکن است نتیجه یک اثر، تغییر نگاه و مسیر زندگی یک انسان باشد. در آموزه‌های دینی، هدایت حتی یک انسان چنان ارزشمند دانسته شده که ارزش آن از آنچه خورشید بر آن می‌تابد بیشتر است.

پیامبر اکرم (ص) هنگام اعزام امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) برای دعوت مردم به اسلام، بر اهمیت هدایت انسان‌ها تأکید کردند و این نشان می‌دهد که هدایت و تربیت یک انسان، از ارزشمندترین اقدامات در مسیر رسالت دینی است. نویسنده‌ای که بتواند با یک کتاب، داستان، شعر یا اثر



نویسنده باید
اثری تولید کند که
مخاطب را تنها برای
لحظاتی تحت تأثیر
قرار ندهد، بلکه
زمینه رشد معرفتی
و فکری او را فراهم
کند.

روایت‌های رضوی
نباید به یک قالب
محدود شود
و نویسندگان
می‌توانند از رمان،
داستان، خاطره،
گفت‌وگو و دیگر
ظرفیت‌های ادبی
برای انتقال این
معارف استفاده
کنند

هنری دل یک انسان را به سمت هدایت، نور، سعادت، اخلاق و تربیت سوق دهد، کار بزرگی انجام داده است. ممکن است یک اثر از نظر ظاهری تنها یک کتاب یا داستان باشد، اما اگر بتواند محبت انسان را نسبت به اولیای الهی افزایش دهد و او را به مسیر اخلاق و معنویت نزدیک کند، ارزش آن بسیار فراتر از ظاهر اثر خواهد بود. وی خطاب به نویسندگان و هنرمندان حوزه رضوی گفت: قدر این توفیق را بدانید که خداوند متعال قلم، دانش، هنر و مهارت شما را در مسیر معرفی امام رضا (ع) و تربیت مردم قرار داده است. ورود به عرصه ادبیات رضوی تنها با علاقه و توانایی فنی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند توفیق و اذن الهی است. همان‌گونه که زیارت امام رضا (ع) نیازمند توفیق و اذن است، ورود مؤثر به عرصه روایت و معرفی اولیای الهی نیز توفیقی الهی محسوب می‌شود. ممکن است فردی همه مقدمات زیارت را فراهم کند، اما توفیق حضور برای او حاصل نشود؛ در عرصه قلم نیز ممکن است نویسنده توانایی و تجربه داشته باشد، اما توفیق ورود شایسته به عرصه معارف اهل بیت (ع) برای او فراهم نشود. کسانی که امروز درباره امام رضا (ع) قلم می‌زنند و تلاش می‌کنند حضرت را وارد زندگی مردم کنند، باید این فرصت را قدر بدانند و خداوند را برای این توفیق شکر کنند. اگر یک اثر بتواند حتی یک دل را نسبت به امام رضا (ع) و دیگر اولیای الهی مهربان‌تر و نزدیک‌تر کند، نویسنده به بخش مهمی از رسالت خود عمل کرده است.

هدف نهایی ادبیات رضوی باید ایجاد محبت، معرفت، اخلاق و تربیت باشد و نویسندگان می‌توانند با یک داستان، شعر، خاطره یا کتاب، مخاطب را به سمت این ارزش‌ها هدایت کنند. خاطرات زائران امام رضا (ع) باید به آثار ماندگار ادبی تبدیل شود

تولیت آستان قدس رضوی با تأکید بر ظرفیت گسترده تجربه‌های زائران گفت: اهل قلم باید از دل خاطرات و حالات معنوی مردم، رمان، داستان، خاطره و دیگر آثار ادبی تولید و این سرمایه‌های فرهنگی را به نسل‌های آینده منتقل کنند. یکی از وظایف مهم نویسندگان و هنرمندان در حوزه فرهنگ رضوی، کشف و ثبت تجربه‌های معنوی مردم است؛ تجربه‌هایی که در زندگی زائران شکل می‌گیرد و اگر ثبت نشود، ممکن است با گذشت زمان از حافظه جامعه فاصله بگیرد. در حرم مطهر رضوی اتفاقات، خاطرات و تجربه‌های فراوانی میان زائران شکل می‌گیرد که هر کدام می‌تواند موضوع یک اثر ارزشمند باشد. اهل قلم باید این تجربه‌ها را شناسایی کنند، با صاحبان آنها گفت‌وگو داشته باشند و از این گفت‌وگوها، روایت‌هایی ماندگار برای جامعه تولید کنند. روایت‌های رضوی نباید به یک قالب محدود شود و نویسندگان می‌توانند از رمان، داستان، خاطره، گفت‌وگو و دیگر ظرفیت‌های ادبی برای انتقال این معارف استفاده کنند. از کرامات، خاطرات و تجربه‌های زائران می‌توان آثار مختلفی تولید کرد و هر نویسنده متناسب با



اهل قلم باید از دل
خاطرات و حالات
معنوی مردم، رمان،
داستان، خاطره و
دیگر آثار ادبی تولید
و این سرمایه‌های
فرهنگی را به
نسل‌های آینده
منتقل کنند.

توانایی و تخصص خود می‌تواند در قالب داستان، رمان، خاطره یا دیگر گونه‌های ادبی، این سرمایه‌های معنوی را به مخاطب منتقل کند. جامعه امروز به روایت‌هایی نیاز دارد که بتواند ارتباط میان تجربه‌های واقعی مردم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام را برقرار کند. این آثار اگر با قلم توانمند و نگاه معرفتی تولید شوند، می‌توانند در تعمیق محبت مردم نسبت به امام رضا علیه‌السلام نقش مؤثری داشته باشند. بسیاری از افراد اهل قلم هستند و توانایی‌های ادبی خوبی دارند، اما ورود به حوزه معارف رضوی حساسیت و مسئولیت بیشتری دارد؛ زیرا نویسنده در این عرصه با شخصیت و سیره اولیای الهی مواجه است و باید نسبت به آن با دقت و معرفت رفتار کند. نویسنده‌ای که درباره امام رضا علیه‌السلام قلم می‌زند باید هم از نظر ادبی توانمند باشد و هم نسبت به موضوعی که درباره آن می‌نویسد، شناخت و معرفت کافی داشته باشد تا بتواند اثری در شأن این جایگاه تولید کند. هر اثری که زمینه محبت بیشتر مردم نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم کند، بخشی از رسالت فرهنگی و تربیتی خود را انجام داده است. اینکه خداوند متعال به نویسندگان و هنرمندان توفیق داده است در این عرصه قدم بردارند، نعمتی ارزشمند است و باید قدر آن را دانست؛ چراکه قلم، دانش، هنر و مهارت زمانی ارزش مضاعف پیدا می‌کند که در مسیر تربیت انسان و معرفی اولیای الهی به کار گرفته شود. نویسنده ممکن است با یک اثر، تنها یک مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد، اما اگر همین اثر موجب شود آن فرد محبت بیشتری نسبت به امام رضا علیه‌السلام پیدا کند، به معارف اهل بیت علیهم‌السلام نزدیک‌تر شود و در مسیر اخلاق و معنویت قرار گیرد، تلاش نویسنده ارزشمند و اثرگذار بوده است. نویسندگان باید با دقت در میان مردم حضور پیدا کنند، روایت‌های آنان را بشنوند و از دل این روایت‌ها آثار ارزشمندی استخراج کنند؛ زیرا بسیاری از گهرهای فرهنگی در میان زندگی عادی مردم پنهان است و تنها با نگاه دقیق و هنرمندانه قابل کشف خواهد بود. این حرکت می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان مستمر ادبیات رضوی باشد؛ جریانی که در آن تجربه‌های واقعی زائران، معارف اهل بیت علیهم‌السلام خاطرات معنوی و فرهنگ زیارت در قالب آثار ماندگار به نسل‌های آینده منتقل شود.



روایت معارف رضوی با زبان امروز

دکتر عبدالحمید طالبی

رئیس سازمان علمی و فرهنگی
آستان قدس رضوی

دکتر عبدالحمید طالبی، رئیس
سازمان علمی و فرهنگی آستان
قدس رضوی، نیز در این
آیین، بهره‌گیری از
زبان هنر و
ادبیات
برای

انتقال
معارف

اهل بیت علیهم‌السلام را یکی از

ظرفیت‌های مهم فعالیت‌های

فرهنگی دانست و گفت: نویسنده می‌تواند

مفاهیم و معارف عمیق دینی را با قلمی شیوا، متناسب با

زبان و اقتضائات نسل امروز به مخاطب منتقل کند.

وی با اشاره به حدیث «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» اظهار کرد: احیای

امر اهل بیت علیهم‌السلام تنها در نقل مستقیم معارف خلاصه نمی‌شود؛

انتقال زیبایی‌های کلام، سیره و معارف آنان به زبان قابل فهم برای

انسان امروز نیز بخشی از همین مسئولیت است و نویسندگان

می‌توانند در این مسیر نقش مؤثری ایفا کنند.

طالبی همچنین به ضرورت معرفی جامع‌تر ابعاد مختلف شخصیت

و سیره ائمه علیهم‌السلام اشاره کرد و افزود: معارف اهل بیت علیهم‌السلام درباره مسائل

گوناگون زندگی، اخلاق، روابط اجتماعی و نیازهای انسان

سخن دارد و این ظرفیت عظیم باید با شیوه‌های

هنری و روایت‌های امروزی در دسترس

مخاطبان قرار گیرد.

رئیس سازمان علمی

و فرهنگی

احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام تنها در نقل
مستقیم معارف خلاصه نمی‌شود؛ انتقال
زیبایی‌های کلام، سیره و معارف آنان به زبان
قابل فهم برای انسان امروز نیز بخشی از همین
مسئولیت است و نویسندگان می‌توانند در این مسیر
نقش مؤثری ایفا کنند.

آستان
قدس
رضوی، ثبت
خرده روایت های
زائران از عنایات و
تجربه های حضور در
حرم مطهر را نیز حائز اهمیت
دانست و تصریح کرد: هر زائر
می تواند حامل یک روایت باشد و
وقتی این تجربه ها با قلم توانمند
نویسندگان بازآفرینی شود،
قابلیت اثرگذاری

عمیق تری بر مخاطب و تقویت
پیوند او با فرهنگ رضوی پیدا
می کند.



هر زائر می تواند حامل یک روایت باشد و وقتی
این تجربه ها با قلم توانمند نویسندگان بازآفرینی
شود، قابلیت اثرگذاری عمیق تری بر مخاطب و
تقویت پیوند او با فرهنگ رضوی پیدا می کند.

این روایت‌های صادقانه

مسعود فرزانه/ مدیرعامل انتشارات به نشر



تولیت معزز آستان قدس رضوی در نشست با جمعی از نویسندگان که توسط انتشارات آستان قدس رضوی برگزار گردید، با دعوت از نویسندگان به خلق اثر پیرامون اهل بیت علیهم‌السلام و معرفی امام به مردم، فرمودند: "نویسندگان می‌توانند از حس و حال زائرین و درد و دل و راز و نیازهایشان با امام مهربانی‌ها ده‌ها کتاب و رمان بنویسند؛ زیرا امام رضا علیه‌السلام در هر لحظه یک جلوه‌گری دارد و حال زائرین جلوه‌هایی از امام رضا علیه‌السلام است، ما به عنوان دستگاه عالم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید سطح معرفت جامعه را افزایش دهیم و این مهم فقط با دستان شما نویسندگان محقق می‌شود."

در راستای تحقق این امر کتاب وزین "گاه گمشدگان" به قلم ارزنده نوزده نویسنده برجسته و گرانقدر توسط انتشارات به نشر به زیور طبع آراسته گردید. این اثر حاوی نوزده روایت و تجربه زیسته از مواجهه با امام رضا علیه‌السلام است که گردآورندگان آن با قلمی هنرمندانه و نگاهی نو، در یک روایت صادقانه هر یک نسبت خود با امام رئوف را بازخوانی کرده‌اند.

به نشر در صدد است هر سال از نویسندگان دعوت کند تا تجربه زیسته خودشان با این آئین را روایت کنند و هر کدام از منظر و دریچه‌ای نو به حال و هوای زیارت بپردازند تا بر اساس زوایای دید متنوع و متفاوت در خصوص یک اتفاق واحد به «مجموعه روایت‌ها» برسیم؛ روایت‌هایی که متکثر نیست و در نهایت نیز به وحدت می‌رسد و امتزاج طعم‌ها و سلاقی متفاوت باعث خلق یک هویت جدید می‌شود. نثاری که تنها و فقط روایت معجزات و کرامت‌های رضوی نیست، بلکه توصیف روبرو شدن و مواجهه با یک حقیقت است و زنده شدن در مواجهه با آن حقیقت! با خرده اندیشه‌ای، اندک شهودی و غنیمت شمردن اندک فرصتی آن هم برای یک عمر و خلق رستگاری‌های جدید.

ثبت گسترده و متنوع تجربه دینی زیارت امام رضا علیه‌السلام، از این نظر اهمیت دارد که این تجربه در هیچ زمان و مکان و مختص گروهی خاص نبوده و نخواهد بود و به همین دلیل بستر مهمی است برای ارتباط دیدگاه‌ها و سبک‌های مختلف زندگی

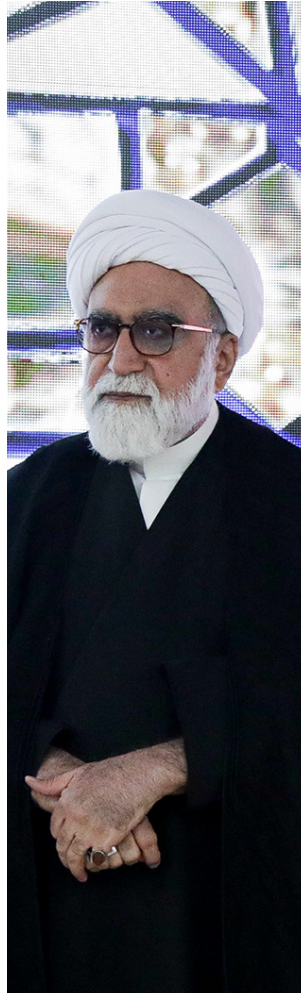




ثبت گسترده و متنوع تجربه
دینی زیارت امام رضا علیه السلام، از
این نظر اهمیت دارد که این
تجربه در هیچ زمان و مکان و
مختص گروهی خاص نبوده و
نخواهد بود و به همین دلیل
بسیار مهمی است برای ارتباط
دیدگاه ها و سبک های مختلف
زندگی که روز بروز متنوع تر و
متفاوت تر می گردند و اهمیت
دیدن تجربه های متفاوت از
یک مفهوم و رخدادی واحد را
برجسته می کند تا گوش دل را
برای همه گفته ها باز کند؛

که روز بروز متنوع تر و متفاوت تر می گردند و اهمیت دیدن تجربه های متفاوت از یک مفهوم و رخدادی واحد را برجسته می کند تا گوش دل را برای همه گفته ها باز کند؛ با تجربه دیگران آشنایی صورت پذیرد و با تأمل بر تجربه های گوناگون بر تجربه ها عمق بخشیده شود و گفتگو حول محوری مشترک شکل پذیرد و از دل گفتگو و صداها گوناگون هر کتاب صدایی تازه خلق می شود که نسبت و هویت مربوط به خود را دارد. پر واضح است این گونه روایت ها دشواری های خاص خود را دارد و در روزگار پر تلاطم کنونی ممکن است حساسیت زاید باشد. اما نویسندگان فارغ از نسبت شان با امام رضا علیه السلام با جسارت و شهامت قلم بر دست گرفته و صادقانه از باورها و تردیدها و عاداتها، سنت شکنی ها، امیدها و ناامیدی ها، قهرها و آشتی ها، پیوستن ها و بریدن ها و ثبات ها و تغییرها در گذر زمان گفته اند. خرده روایت های این مجموعه قرار نیست فقط روایت زنده ماندن مفهوم زیارت یا گزارش کرامت ها و معجزات باشد؛ قرار نیست صرفاً در انحصار عاشقانی باشد که بذر محبت ریشه دار در وجودشان کاشته شده؛ بلکه متعلق به گمشدگان سرگردان و دارای تردیدی نیز هست که نوع و عمق دریافت و تجربه و جدیت آن ها برای مواجهه با این حقیقت به تجربه زیسته آن ها منتهی می شود. این کتاب هم، مانند هزاران پیشکش تقدیم شده و یک قطره از اقیانوس دل بستگی در طی هزاران سال ارادت به این ساحت، بخشی از جریان مستمر دلدادگی به این آستان مقدس خواهد شد. به راستی چه کسی به درک حقیقت زیارت نزدیک تر است؟ جستجوگران و زائرین مردد و ناشناس یا شیفتگان و دلدادگان بیقرار؟!





یک «زیارت‌نامه» دسته‌جمعی

مهدی قزلی

نقطه آغاز این پروژه، توجه به «حال خوب» مشترکی بود که در میان زائران حرم امام رضا علیه السلام دیده می‌شود؛ حالی که ممکن است عمق و شکل آن برای هر فرد متفاوت باشد، اما حضور در حرم تغییری در وضعیت روحی او ایجاد می‌کند. این تجربه برای هر فرد مانند اثر انگشت، شخصی و منحصر به فرد است و شاید عموم مردم نتوانند آن را به آسانی به کلمه تبدیل کنند، اما نویسندگان به واسطه سال‌ها کار با زبان و کلمه می‌توانند این احساس و تجربه را به روایت تبدیل کنند.





«گاه» تنها پسوند زمان نیست و می‌تواند مکان و موقعیت نیز بسازد؛ همان‌طور که در «بارگاه» به مکانی برای زمین گذاشتن بار و در «آرامگاه» به جایی برای آرام گرفتن اشاره دارد.

استقبال مخاطبان از نخستین مجموعه روایت‌های امام رضایی به نام «قرار با خورشید» نشان داد این روایت‌ها تنها تجربه‌های خصوصی نویسندگان نیستند. نسبت هر فرد با امام رضا علیه السلام شخصی است، اما انتشار آن خصوصی باقی نمی‌ماند؛ زیرا امام رضا علیه السلام بخشی از هویت جمعی ایرانیان و علاوه بر هویت مذهبی، بخشی از هویت ملی ماست.

«گاه‌گمشدگان» از نظر من نوعی «زیارت‌نامه دسته‌جمعی» است و خواننده می‌تواند با هر روایت، تجربه‌ای تازه از زیارت را از دریچه نگاه یک نویسنده بخواند و در عین حال، تجربه‌ها و خاطرات شخصی خودش را در آن باز یابد. ما باید تلاش کنیم تا ادبیات روایت رضوی توسعه پیدا کند؛ همان‌گونه که در ادبیات عاشورایی با مجموعه‌ای گسترده از روایت‌ها روبه‌رو هستیم، ادبیات روایت رضوی نیز باید از دل همین خرده‌روایت‌ها شکل بگیرد و گسترش پیدا کند.

در پایان باید به عنوان کتاب اشاره کنم: «گاه» تنها پسوند زمان نیست و می‌تواند مکان و موقعیت نیز بسازد؛ همان‌طور که در «بارگاه» به مکانی برای زمین گذاشتن بار و در «آرامگاه» به جایی برای آرام گرفتن اشاره دارد. امید ما این است که «گاه» زندگی‌مان در سایه رضایت و عنایت امام رضا علیه السلام قرار گیرد.

تجربه‌ای از ایمان

علیرضا محمودی ایرانمهر

علیرضا محمودی ایرانمهر، نویسنده و از حاضران این آیین، «گاه گمشدگان» را فراتر از مجموعه‌ای با موضوع زیارت دانست و گفت: آنچه در این روایت‌ها اهمیت دارد، جست‌وجوی جلوه‌های نور و ایمان در تجربه انسان معاصر است.

وی افزود: هر یک از روایت‌های این کتاب به شکلی تجربه‌ای از ایمان را بازتاب می‌دهد؛ گاهی تجربه ایمانی گمشده و گاهی کشف جلوه‌ای تازه از مفهوم ایمان. از این منظر، اهمیت کتاب تنها به موضوع امام رضا (ع) و حرم مطهر محدود نمی‌شود، بلکه به معنایی گسترده‌تر از تجربه ایمان در زندگی انسان می‌رسد. محمودی ایرانمهر با اشاره به نیاز انسان امروز به چنین تجربه‌هایی گفت: ایمان دقیقاً در جایی معنا پیدا می‌کند که انسان با امر نادیده و ناشناخته مواجه می‌شود، اما اثر و روشنایی آن را در درون خود احساس می‌کند؛ تجربه‌ای که در زیارت و روایت‌های این کتاب نیز قابل مشاهده است.





گم شدن برای پیدا کردن خویشتن

نصرت‌الله قادری نیز با خوانشی متفاوت از عنوان کتاب، تجربه گم شدن در حرم مطهر رضوی را به تجربه‌ای برای بازیافتن خویشتن پیوند زد و گفت: گاهی انسان در فضای حرم گم می‌شود تا خود را دوباره پیدا کند؛ تا از خودب بینی و تصویرهای بزرگ درباره خویش فاصله بگیرد و نسبت واقعی خود را با جهانی بزرگ‌تر از خویش ببیند.

وی با اشاره به معماری آینه‌کاری‌های حرم و انعکاس‌های متعدد تصویر انسان، این تجربه را به نوعی شکستن تصویر یکپارچه و خودساخته انسان از خودش تشبیه کرد و افزود: زیارت می‌تواند لحظه‌ای باشد که انسان خود را در برابر عظمت این فضا کوچک ببیند و از همین نقطه، به شناخت تازه‌ای از خودش برسد.

قادری ابراز امیدواری کرد که انسان بتواند در این تجربه، نسبت خود با امام رضا (ع) را بازیابد و آن را به بخشی ماندگار از زندگی خود تبدیل کند.



زیارت می‌تواند لحظه‌ای باشد که انسان خود را در برابر عظمت این فضا کوچک ببیند و از همین نقطه، به شناخت تازه‌ای از خودش برسد.



کتابخانه رضوی

مجموعه ادبیات داستانی کتاب انتشارات آستان قدس رضوی

کتاب رضوی ۲۷

کتابخانه
کتاب رضوی



باری پای تلویزیون از سربی حوصلگی نشسته بودم
که از سخنور شهیری شنیدم: «دنیا جای کوچکی
برای عشق است.» پس از آن هر بار با عشق سرپنجه
می شدم؛ یاد حرف آن عالم می افتادم: «اینجا فقط
انتخاب می کنی آن طرف یار تمام و کمال از آن
توست.» و من به این می اندیشیدم که معشوق
گناهی ندارد اگر بی وفاست و اگر اتم و اکمل از آن
عاشق نیست. پس فقط ببین، بگزین و بگذر. با
همین منطق هر که را در راه وصال زمین خورده
بود دلداری می دادم که عشق آنقدر
بلندمرتبه است که
حدش اینجا نیست.

سمیه جمالی

آن قدر که بتوانی

نویسنده شخصیت‌ها
را بسیار زنده و ملموس
خلق کرده بود. ناکامی
آن‌ها عین ناکامی خودم
بود.

برداشتم از سخنان آن روحانی فقط معطوف به عشق معمول و معروف بود. اگرچه او مشخصاً درباره محبت زن و مرد صحبت می‌کرد اما می‌شد آن را تعمیم داد. مثلاً به انتخاب مُصاحب.

کتاب زخمی و سینه‌خیز به قلم هادی خورشاهیان همین مقوله را به ظرافت منتقل می‌کند. اگرچه این داستان برای مخاطب نوجوان نوشته شده است اما می‌تواند محل تعمق مخاطبان گوناگون در هر سن و جایگاهی باشد.

خانواده‌ای در دهه شصت ساکن نیشابور هستند. جنگ از یک طرف، فقر از سویی، ازپافتادگی مادر، آشفتگی مادر بزرگ هم مزید بر این‌ها شده. اما این پایان مصیبت‌های سمیه، شخصیت اصلی داستان، نیست. پدر که باید سبب آبروی خانواده باشد منشاء دردها شده و همسایه و فامیل آن‌ها را طرد کرده‌اند.

اهالی خانه از همه‌جا بریده، به دنبال پناهگاه برتر هستند. هوای زیارت امام رضا علیه السلام به سر مادر بزرگ افتاده اما رفتن ممکن نیست. نه اسباب حرکت هست نه مردی برای همراهی. بخشی از کشمکش داستان به همین موضوع اختصاص دارد و تعلیق، رسیدن یا نرسیدن نیست چگونه و به کجا رسیدن است.

خانواده تصمیم می‌گیرند تا برای زیارت به قدمگاه علی بن موسی الرضا علیه السلام بروند. این همان نقطه‌ای است که من را به چالش واداشت. سمت کمال پسند دلم می‌خواست پایان داستان، به نقطه والا و نهایت کمال یعنی بارگاه حضرت شمس الشموس برسد و رضایت دادن نویسنده و به طریقی شخصیت‌هایش به جایی که فقط نشانی از امام را دارد نقصان داشت.

داستان همچنان با من بود. نویسنده شخصیت‌ها را بسیار زنده و ملموس خلق کرده بود. ناکامی آن‌ها عین ناکامی خودم بود.

محل مکث همین نقطه بود. چشم کم‌سوی دنیایی، جایی را می‌بیند و گمان می‌کند نقطه کمال آنجاست و همتش را صرف رسیدن به آن می‌کند که هیچ هم بد نیست. آنچه از حقیقت وجودی امام می‌بینیم بخش ناچیزی است؛ به مرقدش

می‌رویم حاجت می‌گیریم و خرم بازمی‌گردیم. حال آنکه دنیا ویت‌ترین است. ظرفیت استفاده تمام ندارد. این سمت انتخاب می‌کنیم آخرت به دست می‌آوریم. داستان زخمی و سینه‌خیز با این معنا کار کرده است. هیچ مقصدی اینجا نهایی نیست فقط در مسیر است. خوب است تا مرقد برویم اما همان هم در مسیر است. مسیری که تهش را نمی‌بینیم.

هادی خورشاهیان با زبانی بی‌پیرایه، تصویرسازی‌های روشن و بازآفرینی تجربیات زیسته داستان را نوشته است. به‌همین سبب خواننده می‌تواند همه آن را براساس امکان تجربه خود بسازد و ببیند. تجربه زیسته نه به آن معنا که خود در آن دخیل باشد. شبیه ارکان یک جمله که هرکس با کلماتی که در دست دارد جمله‌اش را می‌سازد. جزئیات آشنا در اختیار مخاطب است تا خود تصاویرش را بیافریند.

تصاویر پایان‌بندی هم به‌دقت انتخاب شده. نیشابور شهری که یادآور بخشی از تمدن کهن ایرانی است، روستایی که مردمش با سادگی و صمیمیت جای خالی همسایگان نامهربان را پر می‌کنند و تصاویر زنده‌ای که آب و هوا، بو و صدا را هم به خواننده منتقل می‌کند.

سمیه و خانواده‌اش زخمی و سینه‌خیز خود را به پادمان قدم‌های ضامن آهو می‌رسانند و گویا نویسنده با این تصویر خواسته آغوش آن پناه و همنشین اصلی را نشان دهد که به روی مشتاقان خود گشوده است.



هادی خورشاهیان

ارادتی بنما تا سعادت بیبری

از زبان نویسنده

«زخمی و سینه‌خیز» ادای دینی به دین است. به آیین. به آداب و ادب زیارت. زیارت اگرچه می‌تواند جسمانی نباشد و با روح زخم‌خورده هم می‌توان به پابوسی رفت، ولی کشیدن بارتن و لذت بردن از زخمی و سینه‌خیز رفتن برای بوسیدن آستان، امر قدسی دیگری است. زیارت مانند دوست داشتن است. از این جهت که عشق را پنهان نباید کرد و انگار باید همواره آن را بر زبان آورد تا هم عاشق سبک شود و هم معشوق مشعوف. زیارت بر زبان آوردن عشق به معصوم است. عشق به خداوند.

«زخمی و سینه خیز» روایت من است. روایت ماست. ما که عاشقیم و باید لذت رنج سفر تا قاف را ببریم تا خودمان بیش تر قدر این عشق را بدانیم. آقا امام رضا علیه السلام برای ما خراسانی ها حضرت ارباب دیگری است. امیرالمؤمنین دیگری است. از کودکی عشق آن بزرگ در جان ماست و این عشق تا کهنسالی ما چون درختی باستانی تنومندتر می شود و بیش تر ریشه می دواند و بیش تر شاخه هایش در کائنات و لاینتاهی سفر می کنند.

خانواده ی مجروح جسمانی و روحانی این رمان نوجوان، تنها راه آرامش را در زیارت آقا امام رضا علیه السلام و اگر میسر نشود، قدمگاه می دانند. قدمگاه جایی است که انگار هنوز امام آن جا ایستاده است و حدیث می خواند و کاتبان می نگارند. آدم های این رمان اگرچه به شدت واقعی اند، ولی هر کدام نمادی از مصائب روزگار ما هستند. همان طور که سی مرغ در منطق الطیر عطار که در نهایت سیمرغ می شوند، هر کدام نماد و نشانه ای از بندهای زندگی اند.

رمان می خواهد از خورشید بگوید، ولی نویسنده این توان را در خود ندیده است که به خورشید نگاه کند و به ناچار از سایه نوشته است. نتوانسته است این جسارت را داشته باشد که مستقیم از آقا امام رضا علیه السلام بنویسد و از عاشقان او نوشته است. نتوانسته است در جبروت حرم خود را به ضریح حضرت برساند و به نشانه ای از قدم های مبارک حضرت بسنده کرده است. یک خانواده ی پنج نفره که هر کدام زخمی بر جسم یا جان دارند، چنان پرندگان منطق الطیر به راه می افتند تا به قاف برسند، ولی برخلاف تعدادی از آن پرندگان، در میانه از پرواز جا نمی مانند. هرچند راه قدمگاه بسیار نزدیک است، ولی آن چه باید طی بشود، مسیر روحانی طولانی این سفر است که هیچ کدام از اعضای خانواده، در پس یک سال وقفه ای که در سفر می افتد، از شور و شوق نمی افتند و روز به روز مشتاق تر هم می شوند و در نهایت انگار در قدمگاه سیمرغ می شوند و پدر که معصیت کرده است، ناخواسته اعتراف می کند و انگار او نیز زندگی را از این سفر آغاز می کند و گذشته را به فراموشی می سپارد.

«زخمی و سینه خیز»

ادای دینی به دین

است. به آیین. به

آداب و ادب زیارت.

بررسی از کتاب

حرف آخر

بابا نرفته بود سرکار. یعنی صبح زود رفته بود، ولی کار گیرش نیامده و برگشته بود خانه. از شش صبح می رفت فلکه فردوسی تا یکی بیاید و ببرش کارگری. بعضی روزها خیلی زود یکی او را با خودش می برد، ولی بعضی روزها تا ده صبح هم صبر می کرد و وقتی ناامید می شد برمی گشت خانه. از وقتی آمده بود توی خانه، دعوا بود. اول مادر و بابا سر خرجی خانه دعوایشان شد و بعد هم بی بی برای هزارمین بار یادش آمد توی خانه دلش دارد می پوسد و دلش زیارت می خواهد. اول به زبان خوش با بابا حرف زد، ولی بابا خیلی توجهی نکرد و بالاخره بی بی با مشت زد توی سر خودش و گفت: «شیرم رو حلالیت نمی کنم به امام رضا»

و بالاخره بی بی با مشت زد توی سر خودش و گفت: «شیرم رو حلالیت نمی کنم به امام رضا»



بی‌بی بامشت زد روی سینه‌اش و گفت: «یا من
رو می‌بری پابوس امام هشتم غریب یا شیرم رو
حالات نمی‌کنم. این حرف آخرمه!»

مادر زانویش را از روی پدال چرخ خیاطی برداشت و یک دفعه خانه در سکوت فرو
رفت. بابا از دم در اتاق برگشت و گفت: «ننه خب داری زور می‌گی. من چطوری دوتا...»
مادر به بابا نگاه بدی انداخت و گفت: «خجالت نکش مرد! بگو علیل!»
بابا با سردرگمی گفت: «خب حالا تو هم! دوتا چی باید بگم؟»
بعد رویش را به من کرد و گفت: «توی کتاب‌های تو به کسی که عليله می‌گن چی؟
فلج؟ معلول؟»
مادر زانویش را گذاشت روی پدال چرخ خیاطی و زیرشلواری یاسر را داد زیر نخ و سوزن
و گفت: «می‌گن زمین گیر!»
بابا اخم‌هایش باز شد و گفت: «خب همین! دوتا زن زمین گیر و دوتا بچه رو چطور
ببرم مشهد؟»
بی‌بی انگار جانی دوباره گرفته باشد، با تغییر گفت: «ها! می بینم زبونت نمی چرخه بگی
پابوس امام رضا. نماز هم که دیگه نمی خونی. فکر نکنی نفهمیدم. تو هر کی هستی
برای خودتی که البته کسی هم نیستی. من، مادرم و می فهمم داری چه غلطی می‌کنی!»
بی‌بی بامشت زد روی سینه‌اش و گفت: «یا من رو می‌بری پابوس امام هشتم غریب
یا شیرم رو حالات نمی‌کنم. این حرف آخرمه!»





جلسه نقد و بررسی کتاب زخمی و سینه خیز با حضور نویسنده کتاب و علاقه مندان به حوزه کتاب تهران - باغ کتاب - خرداد ۱۴۰۵





ماه نشر؛ آمار تولید کتاب از ابتدا تا کنون:

جمع	تعداد تجدید چاپ	تعداد چاپ اول	
۹۱۸۹	۶۱۴۵	۳۰۴۴	تعداد کل
۳۵,۳۴۰,۵۸۵	۲۶,۴۰۵,۴۵۰	۸,۹۳۵,۱۳۵	تیراژ کل

آنچه از خرداد ماه ۱۴۰۵ تا کنون چاپ کرده ایم

۸۸۰۰۰ جلد کتاب منتشر کرده ایم

۶۸ عنوان کتاب منتشر کرده ایم

ماه نشر بزرگسال



روایتی از مبارزه، آرمان و ایران دوستی
در اندیشه و زندگی رهبر شهید،
آیت الله العظمی سید علی خامنه ای
می باشد. این کتاب، در دو فصل
گزیده ای از تاریخ مبارزات و بخشی از
بیانات ایشان درباره ایران را در قالبی
خواندنی گرد آورده است. ▲



کتابی روایت محور است و هفده خاطره ناب
و کمتر شنیده شده از دیدارها و هم نشینی
چهره های شناخته شده فرهنگی، ادبی، سیاسی،
اجتماعی و دینی با رهبر معظم انقلاب را در خود
جای داده است. ◀

۱



«راضی به رضا» گزیده ای از بیانات و روشنگری های رهبر شهید
درباره سیره، اندیشه و مبارزات سیاسی و فرهنگی حضرت
امام رضا (ع) است؛ نگاهی که مخاطب امروز را با ابعاد کمتر
شناخته شده زندگی امام مهربانی ها آشنای کند. ▶



۱

«رای ژوری» کتابی پژوهش محور است که بازتاب شخصیت، اندیشه
و مواضع رهبر شهید را در نگاه جهانیان به تصویر می کشد. این
اثر با گردآوری دیدگاه های اندیشمندان، شخصیت های سیاسی و
رسانه های خارجی، تصویری از قضاوت و برداشت غیرایرانیان درباره
رهبر شهید ایران ارائه می دهد.
«آنیان» در زبان فارسی به سرزمین های غیرایرانی گفته می شود
و عنوان کتاب، اشاره ای به گواهی و داوری غیرایرانیان درباره
رهبر شهید ایران دارد. ◀



۱

اثری مستند که به بازخوانی یکی از مهم‌ترین
رخداد های امنیتی سال های آغازین پس از
انقلاب اسلامی برای براندازی نظام جمهوری
اسلامی ایران می پردازد. ▶



۱



روایت هایی مستند و معتبر درباره وقایع و مسیر
طی شده برای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی
است. در این کتاب که به تازگی چاپ شد، به
چرایی و چگونگی انقلاب فرهنگی در بهمن ۵۷ تا
خرداد ۵۹ اشاره شده است. ◀

۱

روایت مستند از سال های قبل از پیروزی انقلاب با
مرور زندگی سید عبدالکریم هاشمی نژاد و اقدامات
انقلابی ایشان است که به همراه تصاویر کمتر منتشر
شده از آن زمانه، ارائه شده است. ▶



۳

۲۲ گزارش روایت محور و واقعی از دوازده روز جنگ اسرائیل با ایران
است که با دقت و جزئی نگری به نگارش درآمده تا وجوه پنهان و
آشکار آن روزها ثبت و روایت شود و همگان بدانند در آن دوازده
روز و روزهای پس از آن، در خیابان های خاک خورده ی شهر و در دل
مردم چه گذشته است. ▶



۴۶-۴۸

روایتی از زن بدون هیچ پسوندی با ارائه داستان زندگی خانم ناز علی نژاد،
همسر شهید شیرعلی سلطانی، است. این رمان مفتخر به دریافت
تحسین و تقریظ رهبر شهید می باشد. ▶





۲۰ روایت از مواجهه با امام رضا (ع) است که به قلم نویسندگان نام آشنایی همچون رضا امیرخانی، حامد عسکری، حمیدرضا شاه آبادی، بهرام عظیمی، محسن رضوانی و ... با نثری روان و ساده نوشته شد. ماجراهای متفاوت از زیارت و حرف‌های خودمانی‌شان با حضرت رضا (ع)، به جذابیت مطالعه این کتاب افزوده است

ماه نشر بزرگسال



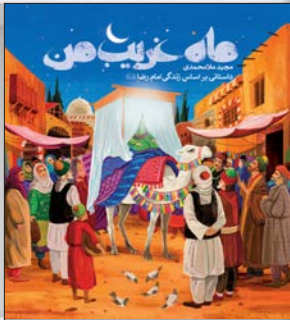
ماه نشر نوجوان

۱-۲



داستانی شیرین و الهام بخش از امید، همدلی، تلاش و مسئولیت‌پذیری است؛ روایتی که نشان می‌دهد برای اثرگذار بودن، همیشه لازم نیست

مجموعه داستان‌های زیبا و مصور درباره مهمترین وقایع زندگی، سیره اخلاقی و رفتاری و کرامات امام رضا (ع) برای نوجوانان است.



کارهای بزرگ انجام دهیم. ماجراها از دریچه نگاه یک نوجوان، بخشی از زندگی مردم ایران در سال‌های دفاع مقدس را روایت می‌کند و به مخاطب یادآور می‌شود که هر کس می‌تواند به اندازه توان خود، در دفاع از وطن و ساختن فردایی بهتر سهیم باشد.

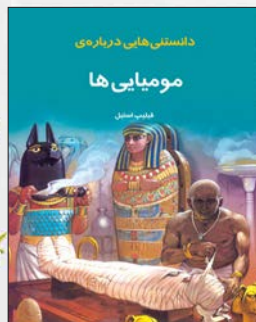


۱۴

در مجموعه ۲۴ جلدی «دانستنی‌هایی درباره...» دانسته‌های فراوانی، متناسب با نیازهای علمی و تاریخی کودکان و نوجوانان در موضوعات مختلف به همراه تصاویر زیبا با نمای نزدیک برای درک بهتر مفاهیم ارائه شده است. دانش‌آموزان با مطالعه هر صفحه اطلاعات عمومی کاربردی و مطالب مفیدی را درباره هر یک از موضوعات کتاب کسب می‌کنند.



۷



۱۱



۱۰

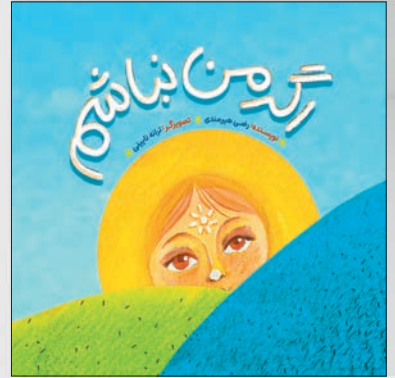


۶



۱

داستانی شیرین و اندیشه‌ورز برای کودکان است که با زبانی ساده و جذاب، از نظم شگفت‌انگیز آفرینش، فواید موجودات و حکمت خداوند در جهان سخن می‌گوید. این قصه که به کودکان یادآوری می‌کند هر موجودی در این جهان جایگاه و نقشی دارد و زیبایی آفرینش، در کنار هم بودن و معنا یافتن همه اجزای آن است.

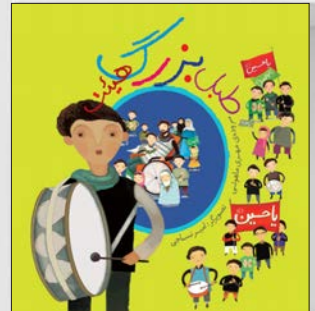


در شعرهای این کتاب اجزای مختلف طبیعت، اشیا، میوه‌ها و حیوانات با خدا حرف می‌زنند و سلام می‌دهند و زمینه آشنایی کودکان را با خدا فراهم می‌کند.

۳

۲

مجموعه‌ای از شعرهای کودکانه با حال‌وهوای محرم و هیئت؛ شعرهایی آهنگین و صمیمی که از نگاه یک کودک، لحظات معنوی همراهی با خانواده در عزاداری امام حسین (ع) را روایت می‌کنند.



هفت داستان بامزه و پندآموز که با الهام از حکمت‌های ارزشمند نهج‌البلاغه نوشته شدند تا کودک همزمان با خواندن داستان طنز، با یکی از سخنان آموزنده و اخلاقی امام علی (ع) نیز آشنا شود.



۳-۴

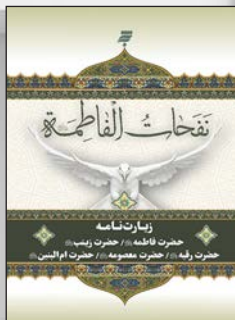


۱



ماہ نشر قرآن و ادعیه

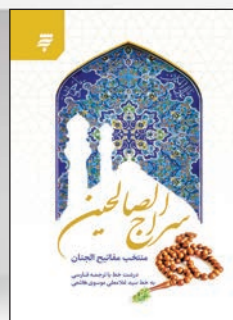
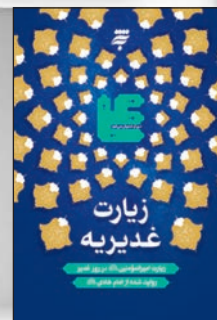
۱



۱۱



۴-۵



۷

روایتی از یار گمنام امام سجاد علیه السلام برای نوجوانان

معرفی کتاب

سرد
چاسر

وجیهه تقی زاده



سیدسعید هاشمی، نویسنده نام‌آشنای ادبیات کودک و نوجوان، در رمان «مرد بی‌سر» سراغ شخصیتی رفته‌است که برخلاف بسیاری از چهره‌های برجسته تاریخ اسلام، برای نسل امروز ناشناخته است.

کتاب «مرد بی‌سر» که در ۲۲۴ صفحه در انتشارات به‌نشر منتشر شده، روایت‌گر فراز و نشیب‌های زندگی سعید بن جبیر است که در دوران امنیتی پس از عاشورا، باتکیه بر علم و ایمان، به مقابله با حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم خون‌ریز عراق، برخاست. هاشمی در این اثر کوشیده تا با بهره‌گیری از منابع تاریخی و پرکردن خلأهای روایی با تخیل هنری، چهره‌ای زنده از این شهید بزرگوار و همچنین فضای سیاسی و اجتماعی عصر امام سجاد^ع ترسیم کند.

او با اشاره به اینکه از کودکی با نام سعید بن جبیر آشنا بوده، می‌گوید: مرحوم پدرم روحانی بود و نام مرا به خاطر ارادتی که به این شخصیت داشت، بر من نهاد. من از کودکی در کتابخانه پدرم بارها داستان شهادت او و حاضر جوابی‌هایش را در حضور حجاج خوانده بودم. پس از دوره بزرگسالی و آشنایی بیشتر با این شخصیت به نظم رسید که زندگی پرحادثه او در شهرهای مختلف - از قم و اصفهان گرفته تا کوفه و مکه - می‌تواند زمینه‌ساز ظهور یک رمان شود.

این نویسنده که بیشتر با آثار طنز خود شناخته می‌شود، درباره تغییر مسیرش به سمت رمان تاریخی اظهار می‌کند: خیلی از حرف‌ها را در لفافه طنز نمی‌شود زد. بعضی از حرف‌ها را باید مستقیم و بدون لفافه گفت. یکی از آن‌ها همین زندگی بزرگان شیعه است.

چالش کمبود منابع تاریخی و نقش تخیل

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نویسنده، کمبود اطلاعات تاریخی درباره سعید بن جبیر بوده است. هاشمی در این باره می‌گوید: اطلاعات چندانی از دوستی سعید و امام به دست ما نرسیده است. ما فقط می‌دانیم که سعید از دوستان صمیمی و جزو اصحاب پنج‌گانه امام سجاد^ع بود. یکی از دلایل مظلومیت امام سجاد^ع همین است که دوران او به شدت امنیتی بود و حکومت سعی می‌کرد امام را در انزوا و تحت نظر

یکی از مهم‌ترین
چالش‌های پیش
روی نویسنده،
کمبود اطلاعات
تاریخی درباره
سعید بن جبیر
بوده است.



نگه دارد. این مسأله کار مرا سخت می‌کرد و من مجبور شدم زندگی سعید را به جز یکی دو فصل دور از امام روایت کنم. سعی کردم دوستی سعید با دوستان امام و دشمنی او با دشمنان امام را پررنگ تر جلوه دهم تا این خلأ پر شود. او با اشاره به نمونه‌ای از بازنویسی تاریخی در کتابش یادآور می‌شود: در برخی منابع نوشته شده که شیر درنده‌ای نیمه شب در بیابان مکه پیدا می‌شود و در مقابل سعید زانو می‌زند. از آنجا که در صدر اسلام در مکه شیری وجود نداشته و بیابان‌های مکه فاقد بیشه‌زار بودند، به این نتیجه رسیدم که کمی رنگ واقعیت به این موضوع بدهم و شیر را تبدیل به کفتار کردم.

تحقیق از منابع مکتوب و اصلاح روایت‌های مشکوک

نویسنده درباره روند تحقیق خود توضیح می‌دهد: متأسفانه منابع مکتوب در مورد این صحابه امام سجاد^ع کم و منبع مستقلی درباره ایشان تهیه نشده است. من مجبور بودم کتاب‌های مختلف را مطالعه کنم که در همین کتاب‌ها هم موارد مشکوک فراوانی دیده می‌شد.

او به عنوان نمونه به مسئله پیوستن سعید به سپاه عبدالرحمن بن محمد بن اشعث اشاره می‌کند و می‌گوید: من باید داستان را به گونه‌ای پیش می‌بردم که مخاطب کم‌سن و سال من فکر نکند که سعید از حامیان و دوستداران عبدالرحمن است. بلکه او فقط به دلیل دشمنی با خاندان اموی مجبور شد با یکی دیگر از دشمنان بنی‌امیه متحد شود.

هاشمی مهم‌ترین نقطه اوج داستان را دستگیر شدن سعید بن جبیر در کنار دروازه مکه می‌داند و می‌گوید: او سالیان سال، دور از خانواده و مشغول فرار از دست دشمنان اهل بیت بود. فرسنگ‌ها دورتر از خانواده‌اش در قم و اصفهان زندگی کرده بود. اما نهایتاً در مکه گرفتار شد. مخاطب اگر با روایت‌های تاریخی آشنا باشد، می‌داند که گرفتار شدن در چنگال حجاج بن یوسف ثقفی همان و کشته شدن هم همان. اینجاست که خواننده دچار هیجان و اضطراب می‌شود.

متأسفانه منابع مکتوب در مورد این صحابه امام سجاد^ع کم و منبع مستقلی درباره ایشان تهیه نشده است. من مجبور بودم کتاب‌های مختلف را مطالعه کنم که در همین کتاب‌ها هم موارد مشکوک فراوانی دیده می‌شد.

حجاج بن یوسف؛ شخصیتی بی رحم در پس زمینه داستان

نویسنده «مرد بی سر» درباره پرداخت به شخصیت حجاج بن یوسف ثقفی نیز اظهار می دارد: حجاج در این کتاب، دومین شخصیت پس از سعید است. او آدمی بی رحم، لجوج، قدرت طلب و بی منطق بود. در مورد حجاج روایت های بسیاری وجود دارد و تقریباً تمام روایت ها بر کشته شدن فجیع سعید به دست حجاج، اشتراک دارند.

هاشمی تأکید می کند: من نه تنها حجاج را بزرگنمایی نکردم بلکه سعی کردم ظلم هایش را کم رنگ تر کنم. چرا که او آنقدر بی رحم بود که ظلم هایش فراتر از حد درک مخاطب نوجوان است و اگر می خواستم ظلم های او را نشان دهم، بار خشونت داستان بالا می رفت.



پیام کتاب برای نوجوان امروز؛ آشنایی با فضای پس از عاشورا

هاشمی، می گوید: مهم ترین درسی که مخاطب نوجوان با مطالعه این اثر از فضای آن دوران می گیرد، آشنایی او با فضای امنیتی بعد از عاشورا است. بعد از عاشورای سال ۶۱ هجری، حکومت انسجام خود را از دست داد و قیام های مکرر رخ داد. امام سجاد@ با دعا های هدفمند و تربیت یاران گمنامی مثل سعید، به تبلیغ تشیع پرداخت. این درس برای نوجوان امروز که در فضای پرچالش رسانه ای زندگی می کند، الهام بخش است.

هاشمی در پاسخ به این سؤال که آیا روش پرداخت شخصیت های فرعی را می توان نوعی خلاقیت برای جبران کمبود منابع تاریخی دانست، می گوید: رمان، تاریخ نیست؛ هنر است و هنر با تخیل همراه است. اگر فقط نام شخصیت های تاریخی را بیاورم، اثر تبدیل به تاریخ می شود و من مورخ نیستم. به عنوان رمان نویس باید از اصول رمان نویسی پیروی کنم.

کتاب «مرد بی سر» که در ۲۲۴ صفحه در انتشارات به نشر منتشر شده، روایت گرافراز و نشیب های زندگی سعید بن جبیر است که در دوران امنیتی پس از عاشورا، با تکیه بر علم و ایمان، به مقابله با حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم خون ریز عراق، برخاست.

این نویسنده پیشکسوت درباره دغدغه‌اش برای جذب نوجوانان در عصر فضای مجازی اظهار می‌دارد: فضای مجازی خیلی قوی و جذاب است و باعث شده مجله و داستان کوتاه و فیلم و ... کم‌رنگ شوند. اما خوشبختانه هنوز رمان در میان مخاطبان نوجوان و جوان جذاب است و فضای مجازی نتوانسته با رمان مقابله کند؛ چرا که فضای مجازی فضای کوتاه‌گویی و سرعت عمل است اما رمان تعریف خاص خودش را دارد و نمی‌تواند کوتاه و سریع نوشته شود. ما نمی‌توانیم با فضای مجازی مبارزه کنیم، اما می‌توانیم برایش رقیب باشیم. اگر ادبیات را مدرن‌تر کنیم، نوجوانان بیشتری به آن جذب می‌شوند.

هاشمی درباره انتخاب عنوان تکان‌دهنده کتاب توضیح می‌دهد: برای رمان باید نامی نهاده شود که مخاطب را میخکوب کند. نام رمان و طرح جلد، ویترین یک رمان هستند. رمان نمی‌تواند نام شاعرانه داشته باشد، چون شعر نیست. نمی‌تواند نام طولانی داشته باشد، چون در یادها نمی‌ماند. نمی‌تواند نام مستقیم و کلیشه‌ای داشته باشد، چون با مقاله و پایان‌نامه فرق می‌کند. نامی که من روی رمانم و البته همه رمان‌هایم گذاشته‌ام، هنجارشکنانه هستند. چون مخاطب نوجوان اول به بعد سرگرمی و جذابیت کتاب نگاه می‌کند.

نویسنده «مرد بی‌سر» در پایان درباره ادامه این مسیر می‌گوید: مطمئناً جلد دومی برای این کتاب در کار نیست. هدف من این بود که نوجوان حداقل با نام سعید بن جبیر آشنا شود که بحمدالله استقبال شده است. اما برای یاران ائمه، رمان‌های مختلفی دارم. از جمله در مورد بهلول عاقل، محمد بن ابی‌بکر، عبدالله بن خطاب، امام‌زاده موسی مبرقع و ... که چاپ و منتشر شده‌اند و رمان‌های دیگری که زیر چاپ هستند.

فضای مجازی خیلی قوی و جذاب است و باعث شده مجله و داستان کوتاه و فیلم و ... کم‌رنگ شوند. اما خوشبختانه هنوز رمان در میان مخاطبان نوجوان و جوان جذاب است و فضای مجازی نتوانسته با رمان مقابله کند؛



فصل نهم ه‌های فته

مروری بر درس گفتارهای زنده‌یاد استاد سعید تشکری

جامعه ادبی و کتابخوان مشهد در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ رویداد منحصر به فردی را تجربه کرد که پیش از آن در این شهر بی سابقه بوده است. این رویداد با عنوان "عصرانه داستان نویسان رضوی" به همت انتشارات به نشر و دغدغه و عزم راسخ زنده‌یاد سعید تشکری رقم خورد و فروشگاه مرکزی انتشارات در طی دو سال هر سه شنبه عصر میزبان اهالی کتاب و قلم بود و برای اولین بار به موضوع ادبیات رضوی با نگاه آموزشی و حرفه‌ای توجه گردید. این دوره طی ۹۰ جلسه در مشهد و سپس به صورت کارگاه‌های یک روزه در بجنورد، اصفهان، تهران، یزد، قم، سمنان و کرج نیز برگزار گردید. این نشست‌ها باعث تربیت نویسندگان جوانی شد که دغدغه و تعهدی نسبت به ادبیات دینی احساس می‌کردند و استاد تشکری چون پیر راه، با سخاوت و حوصله‌ای مثال‌زدنی از راه طی شده‌اش برای شاگردان خود سخن گفت.

آنچه پیش روی شماست درس‌ها و نکته‌هایی است که استاد تشکری در جلسات عصرانه، در خلال خوانش هر داستان برای هنرجویان مطرح کرد و از صوت جلسات پیاده‌سازی شده و از این به بعد در هر شماره مجله کتاب رضوی، دو سه نکته‌ای را مرور خواهیم کرد.



قصه‌های تکراری

۱

اگر

پاریس را از ویکتور هوگو بگیریم، هیچ وقت پاریس وارد دنیای ادبیات نمی‌شد. اگر مسکو را از داستایوفسکی بگیریم، هیچ وقت این شهر وارد ادبیات نمی‌شد و همین‌طور پایتخت‌های مختلف... متأسفانه ما در حوزه ادبیات شهری در وارد این شهر می‌شود، هنوز آن‌چنان که باید و شاید صاحب آثار ادبی نشدیم تا مسافری که ما خیلی بیشتر از قصه‌های نوشته شده ما است. تمام قصه‌هایی که ما نوشتیم معمولاً از این چارچوب پیروی می‌کنند که یک نفر، یک خواسته‌ای از امام رضا علیه السلام دارد و به حرم مشرف می‌شود، کمی گریه می‌کند و بعد خواسته‌اش را می‌گیرد و بیرون می‌آید و تمام. در داستان‌های ما "خواستن" اتفاق می‌افتد. در صورتی که خیلی از غیر مشهدی‌هایی که به مشهد می‌آیند، صرفاً برای عرض ارادت می‌آیند؛ ولی ما مشهدی‌ها کمی طلبکاریم و گرنه بقیه می‌آیند که "ببینند"، که "سلام بدهند". می‌آیند که یک صفایی پیدا کنند و بروند. همین قسمت صفا هم کردن هم حتی در ادبیات ما مغفول مانده است. مثلاً مرد ماهیگیری بوده است که یکبار به یک صدف خیلی بزرگ می‌رسد و تصمیم می‌گیرد آن صدف را به قیمت گزافی بفروشد. به یک نفری برمی‌خورد که به او پیشنهاد می‌دهد صدف را به حرم حضرت رضا علیه السلام هدیه کند تا برای همیشه به نام

متأسفانه ما
در حوزه ادبیات
شهری در شهر
مشهد، هنوز
آن‌چنان که باید و
شاید صاحب آثار
ادبی نشدیم

او بماند

و زوار امام با دیدن آن به یاد مرد
ماهگیر بیفتند. او این پیشنهاد را می‌پذیرد و این
صدف اکنون در موزه حرم امام رضا علیه السلام نگهداری می‌شود. خب! این
داستان هیچ وقت نوشته نشده و مانند این قصه خیلی زیاد داریم. ما چرا
این داستان‌ها را ننوشتیم؟ چون به این ضرورت پی نبردیم که این نوع داستان،
داستان رضوی هست. ما همواره و کماکان درباره خودمان و مشکلات خودمان دچار
یک بغض تکراری هستیم و از زاویه دید داستان خارج نمی‌شویم. یعنی اگر بپذیریم هر
نویسنده متنی را خواهد نوشت و برای روایت متن یک راوی انتخاب می‌کند و یک قهرمان
وارد داستان می‌کند که توسط این قهرمان، داستان پیش رود، همین سه عنصر عناصر اولیه
و سازنده ما می‌شوند. اما مشکل اینجا است که ما خودمان را وسط داستانمان می‌گذاریم.
خود من نویسنده، راوی و قهرمان می‌شوم و طلبکاری‌های خودم را قصه می‌کنم.
رسوماتی در رفتار ما مشهودی‌ها در ارتباط با حضرت رضا علیه السلام وجود دارد که هنوز در حوزه
داستان ورود پیدا نکرده و نویسنده یک شکارچی هست که می‌تواند با انتخاب
درستش این گونه آداب و رسوم را وارد ادبیات کند. مثلاً ما هیچ داستان و
نمونه‌ای در ادبیات ایران درباره عقد بالاسر حضرت، اصلاً نداریم.
من به ضرس قاطع می‌گویم که وجود ندارد.

رسوماتی در رفتار ما مشهودی‌ها در ارتباط
با حضرت رضا علیه السلام وجود دارد که هنوز در
حوزه داستان ورود پیدا نکرده و نویسنده
یک شکارچی هست که می‌تواند با انتخاب
درستش این گونه آداب و رسوم را وارد
ادبیات کند.



از خطه جنوب

معرفی دورمان از محمدرضا آریان فر

زهرا راموذنی

«محمدرضا آریان فر»، نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرانی، در سال ۱۳۳۲ در خرمشهر چشم به جهان گشود. از او آثار متعددی در زمینه‌های شعر، نمایشنامه و رمان منتشر شده است. «محمدرضا آریان فر» غالباً مضامینی مانند عشق، عزت ملی، هویت، جنگ و موضوعات اجتماعی را در آثارش دنبال کرده است. مجموعه شعرهایی چون «جهانی ایمن‌تر از تبسم‌های تو نیست» و «سهمی از همه ترانه‌ها» از جمله آثار شعری او هستند. در حوزه نمایشنامه‌نویسی نیز نوشته‌هایی همچون «دو روایت جامانده»، «نقل آخر» و «زهور» از آثار شناخته شده او به شمار می‌روند. محمدرضا آریان فر طی بیش از سه دهه فعالیت مستمر، موفق به انتشار ۱۷ مجموعه داستان و رمان، پنج مجموعه شعر و ۱۸ نمایشنامه شده و نقش مهمی در حوزه رمان به خصوص رمان نوجوان ایفا کرده است. آثار آریان فر ضمن حفظ ریشه‌های بومی و فرهنگی ایرانی، دارای ویژگی‌های جهانی و انسانی نیز هستند که مخاطب را به شیوه‌ای اثرگذار درگیر می‌کنند.

این نویسنده دارای توانایی منحصر به فرد در تلفیق ژانرهای مختلف ادبی و بهره‌گیری از تجربه زیسته خود در مناطق جنوب کشور از جمله خرمشهر است. روایت‌های او تلفیقی از واقعیت و خیال هستند و نویسنده با بهره‌گیری از تحقیق و دانش گسترده نسبت به فرهنگ و آیین‌های مناطق مختلف، شخصیت‌هایی باورپذیر و غنی خلق می‌کند که همزمان بافت تاریخی و فرهنگی محیط خود را نیز بازتاب می‌دهند. این نویسنده جنوبی، با بهره‌گیری از اصطلاحات بومی و اقلیمی و با حفظ روانی و شیوا بودن روایت، داستان‌هایی خلق می‌کند که هم برای مخاطب نوجوان و هم برای بزرگسال جذاب و شنیدنی هستند.

«محمدرضا

آریان فر»، نویسنده و نمایشنامه‌نویس

ایرانی، در سال

۱۳۳۲ در خرمشهر

چشم به جهان

گشود. از او آثار

متعددی در

زمینه‌های شعر،

نمایشنامه و رمان

منتشر شده است.

«خواب پروانه‌ها»، رمان لطافت است؛ لطافت نگاه به انسان، به رنج و به امیدی کم‌سو اما ماندگار. پروانه در این داستان نماد گذار، ناپایداری و رؤیاست؛ رؤیایی شکننده که هرگز به‌کلی از میان نمی‌رود.



«گاو ماهی» يك رمان تاریخی و جذاب است که با تلاقی تاریخ و افسانه، روایت‌گر مبارزات مشروطه‌خواهان خراسان در دوران جنگ جهانی دوم است. این اثر که با قلمی نیرومند و بی‌نظیر نگاشته شده، بخشی از تاریخ ایران را از زاویه‌ای متفاوت و منحصر به فرد به تصویر می‌کشد.

در این رمان، شخصیت استاد ربیع (که اشاره‌ای به استاد ملك الشعراى بهار دارد) در کنار دیگر شخصیت‌ها و مبارزان مشروطه، در دل سرزمینی درگیر جنگ و قحطی و تلاش برای شکل‌گیری جنبش‌های مردمی و انقلابی هستند، روایت می‌شود. ماجراهای اصلی رمان، حول قطاری پر از آذوقه و تسلیحات متفکین می‌چرخد که از منطقه لرستان به سمت بندرشاهی در حرکت است. مبارزان مشروطه و مردم روستایی در لرستان برای توقف این قطار و انتقال آذوقه به مردم گرسنه، دست به اقدامی شجاعانه می‌زنند. آن‌ها همچنین در این راستا، به ربایش تسلیحات پرداخته و نیروهای انقلابی را مسلح می‌کنند.

اما «گاو ماهی» تنها يك داستان تاریخی نیست. در دل آن، داستانی دیگر نیز نهفته است که به اسطوره گاو ماهی در فرهنگ عامه مردم لرستان می‌پردازد. بر اساس این باور، دنیا بر پشت گاوی عظیم و زخمی است که هرگاه زبان به زخم می‌زند، جهان به لرزه درمی‌آید و زلزله‌ای رخ می‌دهد. در این راستا، چوپانی در تلاش است تا برای مداوای گاو، ضمادی فراهم کند و راهی پرخطر برای یافتن گاو ماهی می‌سازد.

داستان «گاو ماهی» در دو خط موازی پیش می‌رود: یکی با روایت تاریخی مبارزات و دیگری با جستجوی اسطوره‌ای که در دل خود، مفهومی عمیق از تحول و تغییرات جهانی را در بردارد.

«گاو ماهی» يك رمان تاریخی و جذاب است که با تلاقی تاریخ و افسانه، روایت‌گر مبارزات مشروطه‌خواهان خراسان در دوران جنگ جهانی دوم است. این اثر که با قلمی نیرومند و بی‌نظیر نگاشته شده، بخشی از تاریخ ایران را از زاویه‌ای متفاوت و منحصر به فرد به تصویر می‌کشد.



وقتی شهر هنوز آرام بود

جستاری درباره کتاب «خواب پروانه‌ها»

علی اکبر ششسایسته

هر کتابی در زمان خودش خوانده نمی‌شود. بعضی کتاب‌ها منتظر می‌مانند تا روزگاری فرا برسد که مخاطب، آن‌ها را عمیق‌تر درک کند. احساس می‌کنم «خواب پروانه‌ها» از همین جنس است. این روزها، وقتی خبرهای تلخ جنگ و ناامنی را می‌شنویم، روایت شهری که هنوز در آرامش زندگی می‌کند و مردمی که از آینده بی‌خبرند، فقط یک داستان نیست؛ یادآوری این حقیقت است که پیش از هر بحرانی، زندگی با همه سادگی و زیبایی‌اش جریان دارد. محمدرضا آریان‌فر نیز دقیقاً همین زندگی را دستمایه روایت خود قرار داده است؛ زندگی‌ای که آرام آرام در آستانه طوفانی بزرگ قرار می‌گیرد.



محمدرضا آریان‌فر، متولد ۱۳۳۲ در خرمشهر، از نویسندگانی است که تجربه زیستن در جنوب ایران در بسیاری از آثارش بازتاب یافته است. او علاوه بر داستان‌نویسی، در حوزه شعر و نمایشنامه نیز فعالیت داشته و مضامینی چون هویت، عشق، جنگ و مسائل اجتماعی در آثارش حضوری پررنگ دارند. همین پیشینه باعث شده است که نگاه او به جنوب، صرفاً نگاهی جغرافیایی نباشد؛ بلکه اقلیم، فرهنگ و زبان مردم به بخشی از جهان داستانی‌اش تبدیل شوند.

آنچه بیش از همه توجهم را جلب کرد، جایگاه شهر در این رمان است. اهواز تنها محل وقوع داستان نیست؛ شهری است که نفس می‌کشد و همراه شخصیت‌ها رشد می‌کند. محله عامری، پل سفید، پل سیاه، ریل قطار، بازار، گرمای شرجی و کوچه‌هایی که کودکان در آن بازی می‌کنند، هرکدام به عناصر هویت‌بخش روایت تبدیل شده‌اند. نویسنده با کنار هم گذاشتن همین جزئیات، فضایی خلق می‌کند که حتی اگر خواننده هرگز جنوب را از نزدیک ندیده باشد، بتواند آن را احساس کند. به نظر من این توجه به مکان، یکی از مهم‌ترین امتیازهای رمان است، زیرا جغرافیا در اینجا صرفاً پس‌زمینه داستان نیست، بلکه بخشی از هویت شخصیت‌ها و نگاه آن‌ها به جهان را شکل می‌دهد.

راوی داستان، کودکی و نوجوانی خود را مرور می‌کند؛ دورانی که دوستی‌ها، بازی‌ها، دلبستگی‌های کوچک و کنجکاوی‌های کودکان هنوز رنگی از معصومیت دارند. اما این معصومیت قرار نیست همیشگی باشد. در حاشیه زندگی روزمره، نشانه‌های التهاب و تغییر کم‌کم خود را نشان می‌دهند و جهان‌آشنای شخصیت‌ها آرام‌آرام رنگ دیگری می‌گیرد. آنچه برایم جذاب است، این است که نویسنده عجله‌ای برای رسیدن به بحران ندارد. ابتدا زندگی را نشان می‌دهد؛ زندگی‌ای که در آن مردم مشغول کار، خانواده، دوستی و آرزوهایشان هستند و بعد، بی‌آنکه روایت را شتاب زده کند، سایه جنگ را وارد داستان می‌کند. همین حرکت تدریجی، به باور من، باعث می‌شود مخاطب ارتباط عمیق‌تری با شخصیت‌ها برقرار کند.



راوی داستان،
کودکی و نوجوانی
خود را مرور
می‌کند؛ دورانی که
دوستی‌ها، بازی‌ها،
دلبستگی‌های
کوچک و
کنجکاوی‌های
کودکانه هنوز
رنگی از معصومیت
دارند.





زبان آریان‌فر نیز متناسب با فضای اثر شکل گرفته است. او تلاش نکرده با توصیف‌های اغراق‌آمیز یا جمله‌های پیچیده، خواننده را تحت تأثیر قرار دهد. در عوض، روایت با زبانی روان و صمیمی پیش می‌رود و عناصر بومی، بدون آنکه تصنعی به نظر برسند، به باورپذیری داستان کمک می‌کنند. به نظرم همین سادگی، یکی از دلایل ارتباط راحت‌تر مخاطب با فضای رمان است.

آنچه «خواب پروانه‌ها» را برای من از بسیاری از روایت‌های مرتبط با جنگ متمایز می‌کند، زاویه نگاه آن است. معمولاً در این‌گونه آثار، جنگ از همان ابتدا در مرکز روایت قرار می‌گیرد، اما اینجا پیش از هر چیز، زندگی دیده می‌شود؛ زندگی‌ای که هنوز جریان دارد و هنوز کودکان در کوچه‌ها بازی می‌کنند. همین تأخیر در ورود بحران، ارزش عاطفی داستان را افزایش می‌دهد، زیرا خواننده پیش از آنکه با ویرانی روبه‌رو شود، فرصت پیدا می‌کند به جهان شخصیت‌ها دل ببندد.

در نهایت، به گمانم «خواب پروانه‌ها» بیش از آنکه صرفاً رمانی درباره جنگ باشد، رمانی درباره حافظه است؛ حافظه شهری که نمی‌خواهد فراموش شود و نسلی که کودکی‌اش را در آستانه تحولی بزرگ پشت سر گذاشت. این اثر یادآوری می‌کند که تاریخ فقط در کتاب‌ها و اسناد ثبت نمی‌شود، بلکه در زندگی آدم‌های معمولی، در کوچه‌ها، دوستی‌ها، رؤیاهای کودکی و خاطره شهرها نیز جریان دارد. شاید به همین دلیل، بعد از آشنایی با این کتاب، بیش از آنکه به خود جنگ فکر کنم، به زندگی پیش از آن فکر می‌کنم؛ به روزهایی که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد آرامش یک شهر، این چنین زود رنگ دیگری به خود بگیرد.

در نهایت، به گمانم «خواب پروانه‌ها» بیش از آنکه صرفاً رمانی درباره جنگ باشد، رمانی درباره حافظه است؛ حافظه شهری که نمی‌خواهد فراموش شود و نسلی که کودکی‌اش را در آستانه تحولی بزرگ پشت سر گذاشت.



گاو ماهی

افسانه یا حافظه زخمی

جستاری بررمان «گاو ماهی»

رامونا میرحاجیان مقدم

سرزمین‌ها با کوه‌ها، رودها و مرزهایشان شناخته می‌شوند؛ اما آنچه یک کشور را پابرجا نگه می‌دارد، حاکمانی‌اند که از استقلال و امنیت آن پاسداری می‌کنند و مردمانی که اگر دشمن از مرزها گذشت، اجازه نمی‌دهند هویت و امیدشان نیز به اشغال درآید. تاریخ ایران، بارها آزمون چنین روزهایی را به خود دیده است؛ روزهایی که شکست یا پیروزی، ورای میدان جنگ، بر سر سفره مردم، در روستاهای دورافتاده، در دشت‌های سوخته و در دل خانه‌هایی که چشم‌انتظار بازگشت عزیزانشان بودند، رقم خورده است. ادبیات ایستادگی و سینه به سینه مقابل دشمن ایستادن روایت همین روزهای سرنوشت‌ساز است. در چنین آثاری، قهرمان گاه کشاورزی است که زمینش را رها نمی‌کند، گاه چوپانی است که امیدش را از دست نمی‌دهد و گاه روزنامه‌نگاری است که قلمش را در برابر حقیقت بر زمین نمی‌گذارد.

یکی از رخدادهای تلخ که در حافظه تاریخی ملت ایران ماندگار شده است، اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم است. در روز سوم شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متفقین با حمله گسترده به ایران، کشورمان را اشغال کردند. در این اشغال نظامی بین ۴ تا ۷ میلیون نفر بر اثر گرسنگی و بیماری جان خود را از دادند، که این آمار تقریباً یک سوم تا نیمی از جمعیت کشور بود. رمان گاوماهی اثر محمدرضا آریان‌فر، بر این بستر تاریخی اشاره دارد. نویسنده پیش از آنکه داستان را آغاز کند، خواننده را با اسناد، نقل قول‌ها و گزارش‌های تاریخی روبه‌رو می‌سازد؛ و از همان ابتدا یادآوری می‌کند که آنچه در ادامه می‌آید، ریشه در یکی از تلخ‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران دارد؛ روزگاری که اشغال کشور در جریان جنگ جهانی دوم، انتقال گسترده آذوقه و تجهیزات، نابسامانی اقتصادی و ناتوانی حکومت وقت در پاسداری از جان و معیشت مردم، قحطی و رنجی گسترده را بر مردم ایران تحمیل کرد.

وقتی گاوماهی زخمی می‌شود



پس از این آغاز مستند، رمان به حافظه فرهنگی مردم پناه می‌برد. از همین جا گاوماهی وارد داستان می‌شود. در باورهای کهن ایرانی، زمین بر شاخ‌های گاوی استوار است و آن گاو نیز بر پشت ماهی عظیمی قرار دارد که در ژرفای آب‌ها زندگی می‌کند. مردم باور داشتند هرگاه گاو یا گاوماهی به حرکت درآید یا زخمی شود، زمین می‌لرزد و جهان آرامش خود را از دست می‌دهد. این باور دیرینه به عنوان افسانه و بخشی از جهان‌بینی مردم وارد رمان می‌شود. برای شخصیت‌های داستان، گاوماهی حقیقتی است که با آن زندگی می‌کنند و رخدادهای پیرامون خود را بر پایه آن تفسیر می‌کنند. از همین رو، وقتی زمین می‌شکافت و زلزله خانه و مزرعه را ویران می‌کند، نخستین پرسش آنان این نیست که چه گسلی فعال شده است؛ بلکه می‌پرسند چه کسی گاوماهی را زخمی کرده است.

داستان در دامنه‌های زاگرس، در روستاهای لرستان و در امتداد راه‌آهن سراسری جنوب به شمال شکل می‌گیرد؛ همان راه‌آهنی که در سال‌های اشغال، به یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال تجهیزات و تدارکات به شوروی (روسیه) و نیروهای متفقین بدل شده بود. کوه، تونل، ریل و قطار، همگی به عناصر زنده روایت تبدیل می‌شوند؛ عناصری که هر یک نقشی در پیشبرد داستان و شکل‌گیری مقاومت مردم دارند.

نویسنده پیش از آنکه داستان را آغاز کند، خواننده را با اسناد، نقل قول‌ها و گزارش‌های تاریخی روبه‌رو می‌سازد؛ و از همان ابتدا یادآوری می‌کند که آنچه در ادامه می‌آید، ریشه در یکی از تلخ‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران دارد؛





او اشغال ایران را
فاجعه‌ای می‌داند
که نان را از سفره
مردم گرفته و
کرامت آنان را هدف
قرار داده است.



رمان بر دو خط روایی پیش می‌رود؛ دو مسیری که در ظاهر از یکدیگر فاصله دارند، اما در عمق، به یک مقصد می‌رسند. در یک سو، «کیو» قرار دارد؛ چوپانی سختکوش که آرزو دارد همچون پدرش مردی نامدار شود و زندگی خانواده‌اش را با کار و تلاش سامان دهد. او سرانجام تصمیم می‌گیرد چوپانی را کنار بگذارد و دل به زمین ببندد؛ اما هنوز شیرینی این تصمیم را نچشیده، زلزله، محصول و امیدش را با هم در هم می‌کوبد و از اینجا، سفر کیو آغاز می‌شود. در سوی دیگر، «دادگر» ایستاده است؛ روزنامه‌نگاری آزادی‌خواه که جهان را از منظر تاریخ و سیاست می‌نگرد. او اشغال ایران را فاجعه‌ای می‌داند که نان را از سفره مردم گرفته و کرامت آنان را هدف قرار داده است. دادگر، همراه نامدار و دیگر مردم منطقه، می‌کوشد در برابر حرکت قطارهایی بایستد که حامل منافع اشغالگران‌اند؛ مقاومتی که از احساس مسئولیت نسبت به سرزمین و مردم شکل می‌گیرد. در نگاه نخست، ممکن است چنین به نظر برسد که این دو روایت هیچ نسبتی با یکدیگر ندارند؛ یکی در جهان اسطوره حرکت می‌کند و دیگری در متن واقعیت تاریخی. اما



رمان بر دو خط
روایی پیش
می‌رود؛ دو
مسیری که در
ظاهر از یکدیگر
فاصله دارند، اما
در عمق، به یک
مقصد می‌رسند.

هرچه رمان پیش می‌رود، خواننده درمی‌یابد که این دو مسیر، دو روایت از یک حقیقت‌اند. کیو می‌خواهد زخمی را درمان کند که در باور مردم، بر پیکر گاوماهی نشسته است؛ و دادگر می‌کوشد زخمی را التیام بخشد که اشغالگران بر پیکر ایران وارد کرده‌اند.

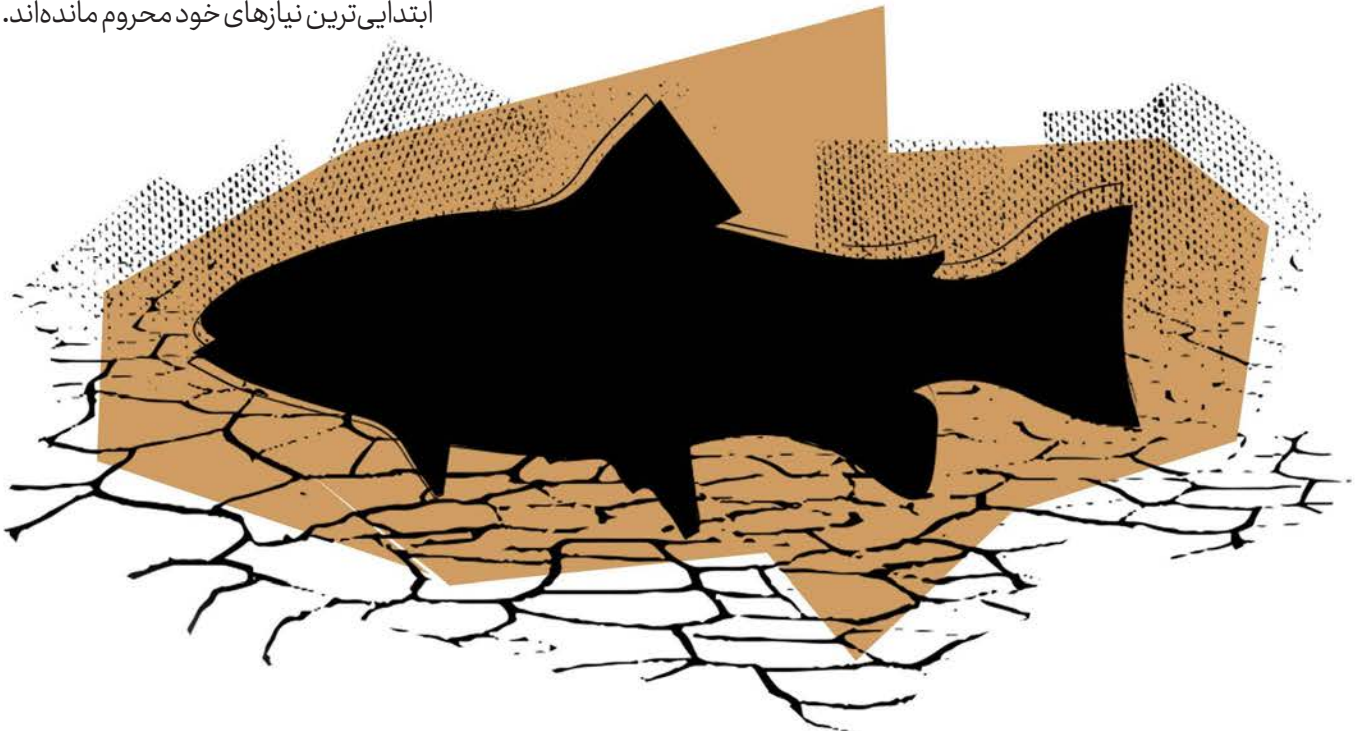
شخصیت‌پردازی رمان با چند شخصیت شکل می‌گیرد. کیو، با همه سادگی، یکی از ماندگارترین شخصیت‌های اثر است؛ زیرا او انسانی است با آرزوهای کوچک، شکست‌های بزرگ و امیدی که بارها در معرض نابودی قرار می‌گیرد. دادگر نیز اگرچه گاه بیش از اندازه آگاه و تحلیل‌گر به نظر می‌رسد، اما نقش مهمی در پیوند دادن تاریخ و روایت داستانی ایفا می‌کند و اجازه می‌دهد مخاطب، حوادث اشغال را از زاویه‌ای فراتر از تجربه فردی ببیند. نویسنده گاه تلاش کرده است شخصیت‌های واقعی مانند ملک‌الشعرا بهار، در نقش آقای ربیع را به رمان وارد کند و برای بسط دادن قصه خود از آن استفاده می‌کند.

ریل‌های قطار سراسری ایران در خدمت اشغالگران

رمان نشان می‌دهد مردمی که زیر بار جنگ، اشغال و قحطی زندگی می‌کنند، چگونه رنج خود را معنا می‌کنند و چگونه حافظه جمعی آنان، تاریخ را در قالب روایت‌های کهن حفظ می‌کند. در این میان، ایستادگی مردم، پاسخی است به ناتوانی حکومت وقت در پاسداری از جان و معیشت آنان.



در این رمان راه‌آهن سراسری شمال جنوب نقش پررنگی دارد. ریل‌هایی که می‌توانستند مسیر آبادانی باشند، در روزگار اشغال، به گذرگاهی برای انتقال نیرو، تجهیزات و آذوقه متفقین تبدیل شده‌اند. قطارها از میان زندگی مردم می‌گذرند و هر بار، نشانی از وابستگی، سلطه و محرومیت را با خود به همراه می‌آورند. از این رو، مقاومت مردم در برابر راه‌آهن، مخالفت با یک فناوری یا یک پروژه عمرانی نیست؛ دفاع از استقلال سرزمینی است که امکاناتش در خدمت بیگانگان قرار داده و صاحبان اصلی آن از ابتدایی‌ترین نیازهای خود محروم مانده‌اند.



زاگرس و اشترانکوه، لرستان و گویش لری

صحنه رمان اشترانکوه، دره‌های زاگرس، گردنه‌ها، رودها، تونل‌ها و مسیر راه‌آهن سراسری شمال جنوب است که در شکل‌گیری کنش‌های داستان و سرنوشت شخصیت‌ها نقشی اساسی دارند. کوه، برای مردم این رمان پناهگاه، مانع، سنگر و گاه شاهد خاموش رنج و مقاومت آنان است. راه‌آهن نیز نشانه حضور بیگانگان است. نویسنده با بهره‌گیری از توصیف‌های حسی، تصویری از اقلیم لرستان می‌آفریند. صدای قطار در دل دره‌ها، مه نشسته بر دامنه‌های اشترانکوه، سرمای کوهستان، بوی خاک باران‌خورده، هیاهوی کوچ عشایر و سکوت سنگین روستاهای گرفتار قحطی، فضایی داستان را می‌آفریند. در این رمان کوه‌های زاگرس، روستاهای لرستان، راه‌آهن، ترانه‌ها، مثل‌ها و واژگان لری، همگی در شکل‌گیری فضای اثر نقش دارند.





نویسنده برای
حفظ اصالت
زبان، از واژگان و
اصطلاحات لری
فراوانی استفاده
کرده و معنای
بسیاری از آن‌ها را
در پاورقی توضیح
داده است.

شخصیت‌ها با زبان سرزمین خود سخن می‌گویند و همین مسئله، روایت را از حالت کلی و بی‌مکان خارج می‌کند. خواننده احساس می‌کند با مردمانی واقعی روبه‌رو است که ریشه در اقلیم و فرهنگ مشخصی دارند.

البته این انتخاب، هزینه‌هایی نیز برای روایت به همراه داشته است. نویسنده برای حفظ اصالت زبان، از واژگان و اصطلاحات لری فراوانی استفاده کرده و معنای بسیاری از آن‌ها را در پاورقی توضیح داده است. این موضوع گاه وقفه ایجاد می‌کند و خواننده بارها ناچار است از متن اصلی جدا شود، به پاورقی مراجعه کند و سپس دوباره به روایت بازگردد. این رفت‌وآمدهای مکرر، به‌ویژه در صحنه‌های پرکشش، از آهنگ داستان می‌کاهد. پشتوانه پژوهشی نیز در سراسر رمان دیده می‌شود. با این حال، همین ویژگی در بعضی بخش‌ها، باعث شده حضور پژوهش از حضور داستان پررنگ‌تر شود.

زخمی که در حافظه ماند



گاوماهی را باید از جمله رمان‌هایی دانست که می‌کوشند بخشی از تاریخ کمتر روایت‌شده ایران را از دل ادبیات زنده کنند. ارزش این اثر در بازآفرینی

یک دوره تاریخی مهم و یادآوری این حقیقت است که امنیت، استقلال و عزت یک ملت، باید با هوشیاری و مسئولیت‌پذیری پاسداری شود. گاوماهی، در پایان رمان، از موجودی افسانه‌ای که زمین را بر دوش می‌کشد؛ به استعاره‌ای از سرزمینی که بار اشغال، قحطی و بی‌تدبیری را بر دوش کشیده، تبدیل می‌شود. شاید راز ماندگاری این رمان نیز در همین باشد؛ اینکه تاریخ را ورای آرشیو اسناد، در حافظه مردم جست‌وجو می‌کند؛ حافظه‌ای که هنوز زخم وطن را بر پشت گاوماهی به یاد دارد.

خوارزه

یادداشت اختصاصی

عروس کتابخوان آقا

شهید زهرا حداد عادل و کتاب
به روایت فریدالدین حداد عادل

درباره هریک از شهدایی که می‌شناسیم، حرف‌ها و ناگفته‌های زیادی وجود دارد که گاه هیچ وقت فرصت مطرح کردن آن‌ها پیش نمی‌آید. برخی شهدا به واسطه سبک زندگی‌شان ناشناخته‌ترند و گویی تازه بعد از شهادت است که دریچه‌ای از سوی آن فرد گشوده می‌شود و ما در این سوی دریچه از لابلای خطوط نوری که به سمت‌مان می‌تابد، تلاش می‌کنیم چیزهایی را در وجود و شخصیت شهیدمان بجوریم و بگوییم که تاکنون کمتر سراغشان رفته‌ایم.

و اکنون، من، فریدالدین حداد عادل برادر بزرگتر زهرا خانوم که شهید شد و پرکشید، جایی در مسیر جاده پیاده‌روی نجف به کربلا نشسته‌ام و می‌خواهم کمی از خواهر شهیدم بگویم. نه از همه وجوه شخصیت دوست‌داشتنی‌اش که صرفاً از نسبتش با کتاب و کتابخوانی.



ح

الف

زهره را برای مطالعه سبک خاصی داشت و بخش مهمی از این ساماندهی و جریان دهی را هم در کنار پدرم تمرین و تجربه می‌کرد؛ به این صورت که پدر کتاب‌هایی را به او پیشنهاد می‌کرد و او پس از مطالعه، هر روز یا یک روز در میان گزارش مطالعه‌اش را به پدرم ارائه می‌داد و گفت و گوی جذابی درباره کتاب شکل می‌گرفت.



یکی از جالب‌ترین خاطراتی که در زمینه کتابخوانی زهره در ذهن دارم این است که یکبار پدرم کتابی برای مطالعه به زهره داده بود که در آن کتاب برخلاف ادبیات استاندارد و رایج نوجوانان، چندتا فحش هم وجود داشت و حرف‌های زشتی در برخی صفحاتش زده شده بود. زهره خواندن آن کتاب را متوقف کرد و نمی‌توانست کتاب را جلو ببرد. از آن طرف پدر هم مدام پیگیری می‌کردند که چرا کتاب را نمی‌خوانی و چرا گزارش نمی‌دهی؟ و برای من جالب بود که زهره در احوالات معصومانیه دخترانه‌ی خودش احساس شرم می‌کرد که به پدرش بگوید این کتاب یک صفحاتی دارد که برای نوجوان تازه رسته دختر معصوم قابل فهم و هضم نیست و زشت است، و شاید هم برای اینکه پدر ناراحت نشود و یا خجالت زده نشود این موضوع را با پدر مطرح نمی‌کرد.

پدر که متوجه شد اتفاقی افتاده، از زهره خواست که کتاب را به ایشان بدهد تا ببینند و بعد ما فرزندان یک درس اجتماعی خیلی اثرگذار در خانه داشتیم که یک کتاب خوب ممکن است برخی مطالب به درد نخور هم داشته باشد و ممکن است برخی مطالب به درد بخور باشد ولی به درد سن نوجوانی نخورد یا بعضی مطالب خوب و به درد

زهره خانوم از کودکی اهل مطالعه و خواندن بود. چیزی که در خانواده ما رواج داشت و پدر برای ترویج مطالعه برنامه‌های ویژه‌ای برایمان داشت. ازبین آن همه کتاب برای خواندن، زهره به داستان‌های مذهبی خیلی علاقه داشت و به خصوص در حوزه تاریخ معاصر و نیز کتاب‌هایی که مربوط به زنان اثرگذار و اثربخش بود را با علاقه و اشتیاق می‌خواند. زهره برای مطالعه سبک خاصی داشت و بخش مهمی از این ساماندهی و جریان دهی را هم در کنار پدرم تمرین و تجربه می‌کرد؛ به این صورت که پدر کتاب‌هایی را به او پیشنهاد می‌کرد و او پس از مطالعه، هر روز یا یک روز در میان گزارش مطالعه‌اش را به پدرم ارائه می‌داد و گفت و گوی جذابی درباره کتاب شکل می‌گرفت.

مدیر مدرسه بود نمی‌خواست درسش ضعیف باشد. به همین خاطر مقداری از مطالعه غیر درسی‌اش کاست و به درس پرداخت و درس را خیلی خوب خواند. خیلی خوب خواند تا به عنوان دختر مدیر مدرسه الگوی قابل دفاعی باشد و بتواند با رتبه خوب و معدل خوب در مقاطع مختلف تحصیل را ادامه دهد.

در آن سال‌ها من دانشجوی دوره کارشناسی بودم و یکی دوبار با هم درباره مطالعه غیردرسی صحبت کردیم. او همچنان از علاقه‌اش به خواندن می‌گفت و برخی از کتابهایی را که دوست داشت به من نشان می‌داد و درباره‌شان برایم حرف می‌زد. اما همچنان به شدت بر درس متمرکز بود و همان موقع دلیل تمرکز زیادش بر درس را مطرح کرد و یک حرفی زد که آن موقع من جدی نگرفتم و حتی به رویش آوردم که حرفت را قبول ندارم. او با انگیزه و محکم به من گفت: «فرید من یه جوری کتاب‌های درسی رو خوندم که بهت قول میدم سال بعد از کنکور بتونم به عنوان یک معلم خوب همه این کتاب‌ها رو به بهترین نحو ممکن درس بدم.»

اگرچه من آن موقع این ادعای زهرا را نپذیرفتم، اما واقعا این اتفاق افتاد! در سال بعد از کنکور او به عنوان معلم کمکی و دستیار و مربی وارد مدرسه شد و اگرچه به دلیل اینکه خیلی تازه کار و نوپا بود، در سال اول معلم نشد اما در نقش مربی‌گری هم خوش درخشید و یک مربی نمونه و خوب بود که توانست کارهای خوب و اثرگذاری ارائه کند و با تلاش و انگیزه‌ای که داشت توانست از ۲۰ سالگی تدریس را آغاز کند و به یکی از معلمان خوب و اثرگذار علوم اجتماعی در دبیرستان تبدیل شد که یاد و خاطره‌اش و سبک تدریس و مهارتش در ارتباط با نوجوانان فراموش نشدنی است و در تمام این سال‌ها هر آنچه از بین صفحات کتاب‌ها یاد گرفته بود را به جان نوشید و آن مطالعات را با رفتار و سبک خود در تدریس و ارتباط با دانش آموزان عملی و ماندگار کرد.

در دوران دانشجویی زهرا خانوم رویکرد متفاوتی نسبت به کتاب پیدا کرد. ۱۹ سالگی ازدواج کرد و درگیر کارهای مدرسه و زندگی

بخور، لاجرم براساس اشتباه نویسنده، ادبیات، موضوع و مکالمات نامتعارف و یا حتی بد داشته باشد و ما آموختیم که کتاب‌ها قابل نقد هستند و می‌توان هرچیزی را خواند.

به هرحال عطش و اشتیاق زهرا خانوم به مطالعه تا آغاز دوره دوم متوسطه بسیار زیاد بود. در متوسطه دوره دوم، او با شک و دودلی به رشته علوم انسانی آمد و نمی‌دانست آیا می‌تواند در این رشته کاملاً موثر باشد یا نه. به همین خاطر پدرم سهم و فهمی از حوزه کتاب و کتابخوانی در او ترویج کرد که به اهمیت علوم انسانی اشاره داشت و این مطالعات هدفمند کمی بعدتر در زمینه‌ای که او بسیار به آن علاقمند بود یعنی مباحث اجتماعی و علوم اجتماعی هدفمند کمی بعدتر در زمینه‌ای که او بسیار به آن علاقمند بود یعنی مباحث اجتماعی و علوم اجتماعی ادامه پیدا کرد.

زهرا در دوران دبیرستان لاجرم گرفتار یک مساله آزاردهنده شد و آن اینکه چون دختر

خاطر پدرم سهم و فهمی از حوزه کتاب و کتابخوانی در او ترویج کرد که به اهمیت علوم انسانی اشاره داشت و این مطالعات هدفمند کمی بعدتر در زمینه‌ای که او بسیار به آن علاقمند بود یعنی مباحث اجتماعی و علوم اجتماعی ادامه پیدا کرد.

شد و فرصتش برای خواندن کتاب‌های متفرقه کمتر شد اما کتاب‌های مرتبط با درس و کارش را خیلی خوب و دقیق خواند و آرشیو خوبی از کتاب در حوزه مدیریت فرهنگی و ارتباط ایجاد کرد. مثلاً کتاب «ارتباط شناسی» دکتر محسنیان‌راد را او برای اولین بار به من معرفی کرد و برای مطالعه پیشنهاد داد. زهرا دو مدرک کارشناسی ارشد در حوزه مدیریت فرهنگی و ارتباطات داشت و به همین خاطر گنجینه خوبی از کتاب‌های حوزه ارتباطات در اختیار داشت. به عنوان مثال چند ماه قبل از شهادتش به من یادآوری کرد که حتماً کتاب «ارتباط شناسی» ویرایش جدید را تهیه کنم و بخوانم و به دانش آموزان دانشجویان علاقمند حوزه ارتباطات هدیه بدهم. خودش هم این کتاب را نداشت و گفت اگر کتاب را پیدا کردی برای من هم تهیه کن. من دیدم و گرفتم ولی یکی از دانش‌آموزان علاقمند کتاب را از من گرفت و دیگر فرصت نشد که من این کتاب را به زهرا برسانم. در این سال‌ها که فرزندانش بزرگ شدند عرصه کتاب یک وجه دیگر هم پیدا کرد؛ او به

فرزندانش کتاب معرفی می‌کرد و کتاب خواندن آن‌ها را نظارت و ارزیابی می‌کرد. بچه‌ها کتاب می‌خواندند و به طور فعال با مادرشان دانسته‌ها و برداشت‌های خود را به اشتراک می‌گذاشتند و زهرا یکی از مشغله‌های جدی‌اش این بود که: «خب بگو ببینم چی خوندی؟ چی فهمیدی؟ حالا چکار بکنیم؟» این موضوع صرفاً یک جلسه گفتگوی صمیمانه و مادر و فرزند نبود؛ گاهی وقت‌ها کلی مقدمات و موخرات تدارک دیده می‌شد تا یکی از بچه‌ها در حوزه و عرصه کتاب خواندن فعال‌تر، قیراق‌تر و عمیق‌تر بشود. به همین خاطر بچه‌ها کتاب می‌خواندند و کتاب‌های خوبی هم می‌خواندند. البته پسر زهرا که بزرگ‌تر شد، حوزه مطالعاتش به سمت موضوعات اعتقادی‌تر و دینی‌تر سوق پیدا کرد و ایشان بیشتر با پدرش این عرصه را به مراد و مطالعه می‌نشست و کتاب‌های دینی و اعتقادی را با پدر بزرگوارش مباحثه و گفتگو می‌کرد.

زهرا به عنوان یک معاون فرهنگی موفق در مدرسه بخشی از برنامه‌های مطالعاتی همکاران جوانش را هم هدایت می‌کرد. به آن‌ها متن می‌داد، توضیح می‌داد و از آن‌ها کار می‌خواست و این اواخر نوع مطالعه و پژوهش خود را گسترده‌تر کرده بود و فیلم مستند و بررسی سایت‌ها و صفحات مجازی را هم به منابع مطالعاتی‌اش اضافه کرده بود. او بسته به شرایط و اوضاع مختلف برای آدم‌های مختلف در زندگی پراز فراز و نشیب و سخت و امنیتی شده برنامه مطالعاتی ترتیب می‌داد. اگرچه در این سال‌های آخر با توجه به شرایط امنیتی کار بسیار سختی بود اما هرطور شده کارش را و با کم و زیاد اوضاع زمانه جلو می‌برد. زهرا تاکید زیادی به شاگردانش داشت که کتاب بخوانند و هرکسی که فرصت و وقت داشت را به خواندن کتاب در سطوح مختلف تشویق می‌کرد. امیدوارم تجربیات او راهگشای همه فعالان فرهنگی و دوستداران کتاب و مطالعه باشد. این نکته را هم در آخر اضافه بکنم که زهرا خانوم در زندگی‌اش یک حوزه مطالعاتی جدی دیگر هم داشت و آن هم با بهره‌گیری از دانش و سواد و مطالعات همسر مجتهدش بود که از او یک فرد تا حد زیادی آشنا به کتب دینی و فقهی و دانش اسلامی ایجاد کرد که گفتن از این ارتباط عمیق و تاثیر و تاثر فرهنگی این زوج بر یکدیگر مجال دیگری می‌طلبد.



زهرا تاکید زیادی به شاگردانش داشت که کتاب بخوانند و هرکسی که فرصت و وقت داشت را به خواندن کتاب در سطوح مختلف تشویق می‌کرد.

اخبار

۱

بازآفرینی تاریخ و مسائل جهان اسلام برای نسل امروز؛ رونمایی از دو کتاب «وحشت در ساحل نیل» و «آتش در شهریازی»

آیین رونمایی از دو کتاب «وحشت در ساحل نیل» و «آتش در شهریازی» نوشته سیدسعید هاشمی، با حضور نویسنده، علی باباجانی و محمدعلی حامد رضوی، روز ۳۰ اردیبهشت ماه در سکوی ایوان شاهنامه باغ کتاب برگزار شد. در این نشست، حاضران ضمن بررسی ویژگی‌های ادبی و محتوایی آثار، به اهمیت بازآفرینی تاریخ و مسائل جهان اسلام برای نسل کودک و نوجوان پرداختند. در ابتدای برنامه، محمدعلی حامد رضوی با مروری بر کارنامه ادبی سیدسعید هاشمی، از فعالیت چند دهه‌ای او در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و انتشار بیش از پنجاه عنوان کتاب سخن گفت. وی کتاب «وحشت در ساحل نیل» را روایتی داستانی از زندگی محمد بن ابی بکر دانست که با زبانی روان و متناسب با مخاطب نوجوان، بخشی از وقایع مهم تاریخ اسلام را بازگو می‌کند.





سیدسعید هاشمی نیز با اشاره به جذابیت‌های شخصیتی محمد بن ابی‌بکر، انگیزه خود از نگارش این اثر را معرفی چهره‌ای کمتر شناخته‌شده از تاریخ اسلام عنوان کرد و بر ضرورت خلق آثاری تأکید کرد که بتوانند مفاهیم دینی و تاریخی را برای مخاطبان جوان جذاب و ملموس سازند.

در ادامه، علی باباجانی با اشاره به دشواری نگارش آثار تاریخی و مذهبی، «وحشت در ساحل نیل» را نمونه‌ای موفق از پیوند پژوهش تاریخی و روایت داستانی دانست و زبان صمیمی و شناخت نویسنده از دنیای نوجوانان را از نقاط قوت این اثر برشمرد.

بخش دیگری از نشست به بررسی کتاب «آتش در شهر بازی» اختصاص یافت؛ اثری که زندگی نوجوانی فلسطینی در غزه را روایت می‌کند. حاضران با تأکید بر کمبود آثار داستانی درباره فلسطین در ادبیات کودک ایران، این کتاب را گامی مؤثر برای نزدیک‌تر کردن مخاطبان نوجوان به واقعیت‌های زندگی مردم غزه و فراتر رفتن از روایت‌های صرفاً خبری ارزیابی کردند.



آیین رونمایی از رمان «زخمی و سینه خیز»، تازه‌ترین اثر هادی خورشاهیان، همزمان با روزهای پایانی هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب با حضور نویسنده و جمعی از علاقه‌مندان به ادبیات کودک و نوجوان در باغ کتاب تهران برگزار شد. در این نشست، حاضران به بررسی ابعاد مختلف این اثر پرداختند؛ رمانی



۲



روایت ارادت در قلب نیشابور؛ رونمایی از کتاب نوجوانانه زخمی و سینه خیز

که با نگاهی به زندگی در دهه ۶۰، مفاهیمی چون خانواده، ایمان، ایثار و امید را در بستری داستانی روایت می‌کند. هادی خورشاهیان در این مراسم، «زخمی و سینه خیز» را داستان خانواده‌ای از طبقه محروم جامعه معرفی کرد که در حاشیه شهر نیشابور و در روزهای دشوار جنگ تحمیلی با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. محور اصلی داستان، آرزوی مادر بزرگ خانواده برای زیارت امام رضا علیه السلام است؛ آرزویی که به دلیل شرایط جسمانی او، به سفری معنوی به قدمگاه نیشابور گره می‌خورد؛ مکانی که یادآور حضور امام هشتم علیه السلام و حدیث سلسله‌الذهب است.

نویسنده با اشاره به شخصیت اصلی کتاب، سمیه، اظهار کرد: این دختر نوجوان در میانه سختی‌های اقتصادی، فضای جنگ و دغدغه‌های خانوادگی، نمادی از استقامت و امید است. به گفته او، هرچند اعضای این خانواده زندگی ساده‌ای دارند، اما پیوندهای عاطفی و باورهای دینی، آن‌ها را در برابر مشکلات استوار نگه می‌دارد.

خورشاهیان همچنین تأکید کرد که این اثر تنها به موضوع زیارت و مفاهیم مذهبی محدود نمی‌شود و در کنار آن، به دغدغه‌های اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی دهه ۶۰ نیز می‌پردازد. او افزود که در نگارش آثار دینی، علاوه بر علاقه، شناخت تاریخی و روایت باورپذیر برای نسل جوان اهمیت ویژه‌ای دارد.

«زخمی و سینه خیز» که از سوی انتشارات به‌نشر منتشر شده، روایت انسان‌هایی است که مشتاق زیارت امام رضا علیه السلام هستند و حتی اگر شده زخمی و سینه خیز این مسیر را خواهند رفت.

۳

رونمایی از کتاب «غول خمره ۲» و ضرورت احیای طنز بومی برای نوجوانان

آیین رونمایی از کتاب «غول خمره و موتور گازی»، تازه‌ترین اثر حمید بابایی، هم‌زمان با روزهای پایانی نمایشگاه مجازی کتاب تهران و در حاشیه برنامه‌های باغ کتاب برگزار شد. در این نشست، حمید بابایی، تیمور آقامحمدی و محمدعلی حامد رضوی به بررسی جایگاه ادبیات طنز و فانتزی در میان نوجوانان پرداختند.

محمدعلی حامد رضوی، دبیر نشست، با اشاره به تجربه سال‌های تدریس حمید بابایی، آثار او را حاصل شناخت دقیق از دنیای نوجوانان دانست و گفت «غول خمره و موتور گازی» تنها یک رمان طنز نیست، بلکه روایتی چندلایه از زندگی، جنگ و تاب‌آوری است. به گفته او، داستان نوجوانی را دنبال می‌کند که درگیر دغدغه‌های روزمره و درس‌های مدرسه است و با ورود غولی پرحرف، شکمو و دست‌وپاچلفتی، ماجراهایی غیرمنتظره را تجربه می‌کند. او همچنین بر کمبود آثار طنز و فانتزی بومی در ادبیات کودک و نوجوان تأکید کرد و «غول خمره» را گامی مؤثر در پر کردن این خلأ دانست.

حمید بابایی نیز با اشاره به سابقه بیش از ده سال تدریس در مدارس، انگیزه خود از ورود به ادبیات نوجوان را پاسخ به نیاز این گروه سنی عنوان کرد. او از برنامه‌ریزی برای ادامه مجموعه «غول خمره» تا دست‌کم پنج جلد خبر داد و تأکید کرد که در نگارش آثار طنز، پایبندی به اصول اخلاقی و دوری از شوخی‌های نامناسب را ضروری می‌داند.

در بخش دیگری از نشست، تیمور آقامحمدی طنز را ضرورتی انکارناپذیر برای نوجوانان خواند و اظهار کرد که این گونه ادبی، به مخاطبان کمک می‌کند تا با فشارهای خانواده، مدرسه و جامعه مواجه شوند. به اعتقاد او، صمیمیت روایت، شخصیت‌های باورپذیر و فضای پرنشاط «غول خمره و موتور گازی» از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر است؛ کتابی که می‌تواند جایگاه ادبیات طنز بومی را در میان نسل نوجوان بیش از پیش تقویت کند.





رونمایی از رمان «شهریور ابری»؛ روایتی داستانی از جنگ جهانی دوم و زیست مردم ترکمن

آیین رونمایی کتاب «شهریور ابری» نوشته سیدمحمد میرموسوی، روز جمعه اول خردادماه با حضور نویسنده، میثم رشیدی مهرآبادی و محمدعلی حامدرضوی در سکوی شاهنامه باغ کتاب برگزار شد. در این نشست، حاضران به بررسی ابعاد تاریخی و ادبی این اثر پرداختند.

سیدمحمد میرموسوی در ابتدای برنامه با اشاره به فضای کتاب، اظهار کرد که تاریخ، اگر تنها به صورت روایتی خطی بازگو شود، در ذهن مخاطب ماندگار نخواهد شد. به گفته او، «شهریور ابری» تلاشی برای روایت داستانی بخشی از وقایع جنگ جهانی دوم، حضور ارتش و زندگی مردم ترکمن صحرا است.

میثم رشیدی مهرآبادی نیز با اشاره به تجربه زیسته نویسنده در منطقه ترکمن صحرا، بهره‌گیری از فرهنگ و داستان‌های بومی را از نقاط قوت اثر دانست و گفت این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که تصمیم‌های سیاسی مرکز کشور در دهه‌های گذشته چگونه بر زندگی مردم مناطق دوردست تأثیر می‌گذاشته است. او فضا سازی دقیق، پرداخت روابط خانوادگی و تنوع شخصیت‌ها را از مهم‌ترین ویژگی‌های «شهریور ابری» برشمرد.

رشیدی همچنین استفاده از نمادها و تصویرسازی پاسگاه مرزی به عنوان فضایی میان مرزی و پرتنش را از دیگر امتیازهای کتاب دانست و در عین حال، به برخی کاستی‌ها از جمله یکدست بودن لحن شخصیت‌ها و بیان مستقیم برخی اطلاعات تاریخی اشاره کرد.

در ادامه، میرموسوی تأکید کرد که هدف اصلی او معرفی قوم ترکمن نبوده، بلکه تلاش کرده است برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران را در قالب داستان روایت کند. او همچنین از حذف بخش‌هایی از روایت عاشقانه کتاب برای پرهیز از کلیشه‌های رایج ادبیات امروز سخن گفت.

در پایان این نشست، محمدعلی حامدرضوی بخش‌هایی از رمان «شهریور ابری» را برای حاضران خواند.

زمینه دسترسی بیشتر کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها به منابع فرهنگی و کتاب فراهم شود. طرح «آفتاب مهریانی» با هدف گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی و توسعه عدالت فرهنگی، همچنان به فعالیت خود در مناطق مختلف ادامه می‌دهد.

7



انتشارات به نشر هم‌زمان با روزهای برگزاری تشییع پیکر رهبر شهید حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، مجموعه‌ای از آثار مورد توجه ایشان را در اختیار مخاطبان قرار داد. در میان این آثار، کتاب «آخرین فرصت» با روایتی از زندگی، مجاهدت و شهادت شهید علی کسایی، «خانوم ماه» با نگاهی به زندگی خانوم ماه علی نژادیان و شهید شیرعلی سلطانی و همچنین نسخه نفیس قرآن کریم به خط مرحوم عبدالله رزانی، کاتب برجسته اصفهانی، معرفی و عرضه شده‌اند.

این آثار که مفتخر به دریافت تقریظ و تحسین رهبر شهید مورد قرار گرفته بودند، با استقبال علاقه‌مندان به کتاب‌های حوزه اثار، مقاومت و معارف دینی همراه بوده‌است.



«سرمه» و روایتی انسانی از جنگ؛ نگاهی به ظرفیت‌های ادبی داعش

نشست نقد و بررسی رمان «سرمه» با حضور محمد اسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده اثر، و حمید بابایی، دبیر نشست، در خبرگزاری مهر برگزار شد. در این برنامه، حاضران به بررسی ابعاد ادبی و پژوهشی رمانی پرداختند که به پیامدهای ظهور داعش و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها می‌پردازد. محمد اسماعیل حاجی‌علیان در این نشست با اشاره به شکل‌گیری ایده «سرمه» گفت که تجربه زیسته نسل جنگ و تأمل درباره سرنوشت انسان‌هایی که درگیر خشونت و درگیری می‌شوند، او را به نگارش این اثر سوق داده است. به گفته او، هدف اصلی کتاب، روایت رنج انسان‌ها و هشدار نسبت به خطری است که می‌تواند هر جامعه‌ای را درگیر کند.

وی پژوهش را بخش جدایی‌ناپذیر فرایند نویسندگی دانست و تأکید کرد که برای نگارش «سرمه»، مطالعات گسترده‌ای درباره جغرافیا، فرهنگ و زندگی مردم عراق و شهر موصل انجام داده است. حاجی‌علیان همچنین با اشاره به اهمیت زبان در آثارش، استفاده از ظرفیت‌های زبانی و فرهنگی را راهی برای نزدیک‌تر شدن مخاطب به جهان داستان توصیف کرد.

نویسنده «سرمه» در بخش دیگری از سخنان خود، حضور شخصیت شهید قاسم سلیمانی در رمان را برگرفته از واقعیت‌های تاریخی دانست و بر ضرورت پرهیز از روایت‌های اغراق‌آمیز درباره شخصیت‌های معاصر تأکید کرد. او همچنین تخریب میراث فرهنگی توسط داعش را یکی از دغدغه‌های اصلی خود در نگارش این اثر برشمرد.

در این نشست، بر ظرفیت‌های ادبی موضوع داعش و اهمیت پرداختن به آن در ادبیات داستانی تأکید شد؛ موضوعی که به باور حاضران، تنها محدود به عراق و سوریه نیست و می‌تواند هشدار برای جوامع مختلف باشد. حاجی‌علیان در پایان، پژوهش و توجه به جزئیات فرهنگی را از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری فضای داستان «سرمه» عنوان کرد.

کتاب «خانوم ماه» نوشته ساجده تقی زاده و منتشرشده توسط انتشارات به نشر، در پی استقبال مخاطبان به چاپ چهل و هشتم رسید. این اثر، روایتی صمیمی از زندگی شهید شیرعلی سلطانی، شهید بی سر دفاع مقدس، و همسر اوست.

روایتی که بیش از صحنه های نبرد، به عشق، انتظار، دلتنگی و استقامت در بستر خانواده می پردازد. «خانوم ماه» با تکیه بر خاطرات همسر شهید، تصویری انسانی و ملموس از زندگی خانواده ای ارائه می دهد که جنگ تنها بخشی از سرنوشتشان بوده و آنچه از آن روزها به یادگار مانده، ایمان و وفاداری است.

«خانوم ماه» به چاپ چهل و هشتم رسید

این کتاب در آذرماه ۱۴۰۱ مفتخر به دریافت تقریظ رهبر معظم انقلاب اسلامی شد؛ تقریظی که در آن، اثر به عنوان روایتی سرشار از عشق و ایمان مورد تحسین قرار گرفته است. متن این تقریظ به همراه تصاویری از شهید شیرعلی سلطانی در چاپ های کتاب منتشر شده است.

رسیدن «خانوم ماه» به چاپ چهل و هشتم، نشان دهنده استقبال مخاطبان از آثاری است که دفاع مقدس را از دریچه زندگی روزمره و روایت زنان مقاوم این سرزمین بازخوانی می کنند.





۹

به نشر، در پی تبدیل ادبیات رضوی به یک جریان فرهنگی است

مدیر عامل انتشارات به نشر با اشاره به فعالیت‌های این نشر در کنار آثار معرفتی تاکید کرد: با تولید آثار داستانی تلاش کرده‌ایم دامنه روایت از سیره امام رضا علیه السلام را گسترش دهیم.

هدف انتشارات به نشر، عرضه معارف اهل بیت علیهم السلام در قالب‌های متنوع است، تا افراد بیشتری بتوانند با این گنجینه ارزشمند ارتباط برقرار کنند. از این رو، به نشر علاوه بر آثار داستانی، برای ترویج معارف رضوی به تولید آثار در قالب پی‌نما نیز پرداخته است و به زودی از نخستین پی‌نمای این انتشارات بر اساس زندگی امام رضا علیه السلام رونمایی خواهد کرد.

پایبندی به منابع معتبر و مستندات تاریخی را اصل اساسی در تولید آثار رضوی دانست و افزود: در عین حال استفاده از شخصیت‌پردازی، فضا سازی و تخیل هنرمندانه برای جذابیت روایت ضروری است. انتشارات به نشر تلاش می‌کند تا اصالت تاریخی آثار در کنار کیفیت ادبی آن حفظ شود و کارشناسان دینی نیز در ارزیابی محتوایی آثار مشارکت داشته باشند.

انتشارات به نشر در تلاش است از نگاه صرفاً مناسبتی به معارف رضوی فاصله بگیرد و به سمت تولید مستمر آثار حرکت کند؛ مسیری که با حمایت از نویسندگان، نشست‌های تخصصی، تولید آثار برای گروه‌های سنی مختلف و توجه به قالب‌های نو دنبال می‌شود.



۱۰

رمان عاشورا بدون پژوهش تاریخی، به تحریف می‌رسد

نشست نظری «چالش‌های نگارش ادبی درباره عاشورا» با محوریت نقد و بررسی کتاب «شهادت‌نامه حسین (ع) و شهیدان کربلا»، از آثار عاشورایی انتشارات به‌نشر، با حضور حمید بابایی، دبیر نشست، سعید طاووسی، پژوهشگر تاریخ اسلام، و امیر خداوردی، نویسنده و منتقد ادبی، در خبرگزاری مهر برگزار شد. حمید بابایی در ابتدای نشست با بیان اینکه این برنامه با هدف بررسی یکی از مسائل بنیادین ادبیات دینی برگزار شده است، گفت: پرسش اصلی این است که آیا می‌توان درباره واقعه عاشورا رمان نوشت و در صورت امکان، مرز میان تاریخ و تخیل کجاست؟ وی با اشاره به جایگاه عاشورا در فرهنگ شیعی و ایرانی، تأکید کرد که پرداخت ادبی به این واقعه، نیازمند گفت‌وگوی مستمر میان پژوهشگران تاریخ و نویسندگان است. سعید طاووسی، پژوهشگر تاریخ اسلام، مهم‌ترین چالش نویسندگان آثار عاشورایی را تشخیص روایت‌های معتبر از روایت‌های غیرمعتبر تاریخی دانست و گفت: هرچند درباره عاشورا منابع فراوانی وجود دارد، اما همین فراوانی، مسئولیت نویسنده را سنگین‌تر می‌کند؛ زیرا همه گزارش‌های تاریخی از اعتبار یکسان برخوردار نیستند و تشخیص صحت آن‌ها نیازمند پژوهش تخصصی است. وی تأکید کرد که نویسندگان رمان‌های تاریخی، به‌ویژه در حوزه عاشورا، بهتر است در کنار خود مشاور یا ناظر تاریخی داشته باشند تا از استناد به روایت‌های نادرست جلوگیری شود.

طاووسی همچنین بر ضرورت تفکیک میان «تاریخ عاشورا» و «داستان عاشورا» تأکید کرد و گفت بسیاری از روایت‌های مشهور که در طول زمان نقل شده‌اند، پشتوانه تاریخی قابل اتکایی ندارند و نباید مبنای خلق رمان تاریخی قرار گیرند. او با اشاره به نمونه‌هایی همچون داستان «دو طفلان مسلم»، «عروسی حضرت قاسم (ع)» و برخی روایت‌های متأخر، خاطرنشان کرد که شهرت یک روایت، دلیل بر تاریخی بودن آن نیست و نویسنده باید میان منابع معتبر و داستان‌های عامیانه تمایز قائل شود.



در ادامه نشست، حمید بابایی با طرح این پرسش که «نگاه ما به تاریخ چیست؟» اظهار کرد: آیا تاریخ صرفاً مجموعه‌ای از رخدادهاى گذشته است یا باید روح و معنای آن نیز روایت شود؟ وی با اشاره به ظرفیت‌های رمان تاریخی گفت: نویسنده می‌تواند با بهره‌گیری از تخیل و خلق شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستانی، گذشته را بازآفرینی کند و این شیوه در ادبیات جهان و ایران سابقه‌ای جدی دارد. بابایی با تأکید بر اینکه نویسنده حق بهره‌گیری از تخیل را دارد، افزود: مشکل از جایی آغاز می‌شود که از رمان‌نویس انتظار داشته باشیم به جای خلق یک اثر ادبی، تنها روایت رسمی و پذیرفته‌شده را بازتولید کند. به گفته وی، نویسنده رمان، مورخ نیست؛ اما در عین حال نیز نباید از چارچوب واقعیت‌های مسلم تاریخی فاصله بگیرد.

وی همچنین به حساسیت‌های موجود درباره آثار عاشورایی اشاره کرد و گفت: آثار داستانی معمولاً بیش از روایت‌های شفاهی یا نقل‌های غیرمکتوب با مطالبه سند و استناد روبه‌رو می‌شوند و همین مسئله، کار نویسندگان این حوزه را دشوارتر کرده است.

بابایی در پایان، کتاب «شهادت‌نامه حسین (ع)» و شهیدان کربلا را اثری روان، خوش‌خوان و ارزشمند برای مخاطبان عمومی توصیف کرد و گفت این کتاب با



زبانی ساده و مستند، می‌تواند مخاطبان را بیش از پیش با حقیقت واقعه عاشورا و منابع معتبر تاریخی آن آشنا کند. امیر خداوردی، نویسنده و پژوهشگر ادبی، نیز با تأکید بر تفاوت کارکرد تاریخ، فقه، کلام و ادبیات، خاطرنشان کرد که هر یک از این حوزه‌ها معیارها و منطق خاص خود را دارند و نباید با معیار یک علم، درباره علم دیگر داوری کرد. وی افزود ادبیات، صرفاً بازنویسی گزارش‌های تاریخی نیست، بلکه با بهره‌گیری از روایت، شخصیت‌پردازی، زبان و تصویرسازی هنری، حقیقتی عمیق‌تر را به مخاطب منتقل می‌کند.

خداوردی با اشاره به نقش اغراق، نماد و زبان ادبی در متون دینی و داستانی، تصریح کرد که بسیاری از روایت‌های مشهور، افزون بر جنبه تاریخی، کارکردی تربیتی و ادبی دارند و نویسنده باید ضمن احترام به مستندات تاریخی، از ظرفیت‌های هنری ادبیات نیز برای انتقال مفاهیم بهره ببرد.

در جمع‌بندی این نشست، کارشناسان بر این نکته تأکید کردند که موفقیت رمان عاشورایی در گرو تلفیق پژوهش تاریخی دقیق با توانایی‌های ادبی نویسنده است. تخیل، عنصر جدایی‌ناپذیر رمان است، اما این تخیل زمانی ارزشمند خواهد بود که بر پایه منابع معتبر شکل بگیرد و مرز میان روایت داستانی و حقیقت تاریخی را حفظ کند؛ زیرا تنها در این صورت می‌توان اثری ماندگار، باورپذیر و در شأن واقعه عاشورا خلق کرد.



۱۱

«عصرانه داستان نویسان رضوی»؛ تداوم آموزش و پرورش نوقلمان در انتشارات به نشر

نشست‌های تخصصی «عصرانه داستان نویسان رضوی» به دبیری محمد خسروی‌راد، نویسنده و منتقد ادبی، همچنان به صورت دو هفته یک‌بار در پردیس کتاب انتشارات به نشر برگزار می‌شود و جمعی از نویسندگان، علاقه‌مندان و نوقلمان حوزه ادبیات داستانی در این جلسات به آموزش و گفت‌وگو می‌پردازند.

در سومین جلسه این دوره، خسروی‌راد با استناد به دیدگاه‌های محمود دولت‌آبادی، به ویژگی‌های نویسنده خلاق پرداخت و تأکید کرد که نویسنده باید هم‌زمان نگاه کودکانه، شور جوانی و پختگی سالخوردگی را در خود پرورش دهد. او همچنین با تشریح تفاوت «تیپ» و «شخصیت» و تبیین مفهوم «طرح» به عنوان نقشه راه داستان، بر اهمیت جزئی‌نگری، مشاهده و تخیل در فرایند خلق اثر تأکید کرد.

چهارمین نشست «عصرانه داستان نویسان رضوی» به بررسی مفهوم فرم در داستان اختصاص داشت. در این جلسه، شرکت‌کنندگان با نسبت میان فرم و محتوا، ضرورت ایجاد هارمونی میان اجزای داستان و اهمیت ایجاز در روایت آشنا شدند. خسروی‌راد با اشاره به تأثیر شرایط اجتماعی و



نیاز مخاطب بر ساختار داستان، احترام به شعور خواننده و پرهیز از توضیح‌های اضافی را از اصول مهم داستان‌نویسی دانست.

در پنجمین و ششمین جلسات نیز مباحثی همچون محور عمودی داستان، شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌نویسی و نسبت شخصیت با ساختار روایت مورد بحث قرار گرفت. خسروی‌راد محور عمودی را مسیر حرکت داستان از آغاز تا پایان توصیف کرد و نقش شخصیت اصلی را در شکل‌گیری و پیشبرد روایت، تعیین‌کننده دانست. همچنین تفاوت میان شخصیت و تیپ، ضرورت شناخت



عمیق کاراکترها و پرهیز از خلق شخصیت‌های کاملاً سیاه یا سفید، از دیگر محورهای آموزشی این جلسات بود. در پایان هر نشست، تکالیف اعضا و آثار داستانی آنان خوانش و نقد می‌شود و شرکت‌کنندگان در فضایی تعاملی، ضمن گفت‌وگو و تبادل تجربه، با شیوه‌های عملی داستان‌نویسی آشنا می‌شوند. «عصرانه داستان‌نویسان رضوی» با هدف توانمندسازی علاقه‌مندان و پرورش نسل تازه‌ای از نویسندگان، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.



۱۲

«به‌شنو»؛ روایت صوتی داستان‌های رضوی در قالب پادکست

انتشارات به‌نشر با هدف معرفی آثار داستانی و ترویج فرهنگ و سیره رضوی، مجموعه پادکست‌های «به‌شنو» را تولید و منتشر می‌کند. این مجموعه صوتی که هم‌زمان با چهارشنبه‌های امام‌رضایی و روز زیارتی حضرت رضا (ع) در فضای مجازی منتشر می‌شود، تلاش دارد مخاطبان را بیش از پیش با کتاب‌ها و روایت‌های مرتبط با زندگی و فرهنگ رضوی آشنا کند.

پادکست‌های «به‌شنو» با نگاهی به آثار حوزه کودک، نوجوان و بزرگسال، بخش‌هایی از رمان‌ها و داستان‌های رضوی را در قالبی شنیدنی و جذاب به مخاطبان عرضه می‌کنند. این تولیدات صوتی، علاوه بر معرفی کتاب‌های انتشارات به‌نشر، فرصتی برای آشنایی با مفاهیم و آموزه‌های برگرفته از سیره امام رضا (ع) فراهم کرده‌اند.



تاکنون شش قسمت از این مجموعه منتشر شده است که به معرفی کتاب‌های «ماه غریب من»، «دعبل و زلفا»، «من ضامن»، «اعترافات غلامان»، «به دنبال آب بروید» و «موقف» پرداخته‌اند.

«به‌شنو» یکی از تازه‌ترین تولیدات رسانه‌ای انتشارات به‌نشر به شمار می‌رود که با بهره‌گیری از ظرفیت پادکست، گامی در مسیر معرفی ادبیات رضوی و گسترش ارتباط مخاطبان با آثار داستانی این حوزه برداشته است. انتشار این مجموعه صوتی، چهارشنبه هر هفته از طریق بسترهای مجازی انتشارات به‌نشر ادامه خواهد داشت.



ربابه عطایی

انسجام بخشی به فرهنگ سازمانی در پرتو تعلق سازمانی

در هر سازمانی، آنچه ماندگاری می سازد فقط ساختار، آیین نامه، شرح وظایف یا حتی دستاوردهای مقطعی نیست؛ روحی است که در میان همکاران جریان دارد و به کار روزمره معنا می دهد. این روح مشترک، همان فرهنگ سازمانی است؛ مجموعه ای از باورها، رفتارها، حساسیت ها و الگوهای نانوشته ای که تعیین می کند همکاران در کنار یکدیگر چگونه کار می کنند، چگونه با دشواری ها مواجه می شوند، چگونه موفقیت ها را معنا می کنند و چگونه خود را عضوی از یک کل بزرگ تر می بینند. اما فرهنگ سازمانی زمانی از سطح شعار فراتر می رود و به واقعیتی زنده تبدیل می شود که با «تعلق سازمانی» پیوند بخورد. تعلق سازمانی، در حضور فیزیکی در محل کار یا انجام وظایف محوله معنا نمی یابد. تعلق، آن احساس عمیق و آرامی است که در آن فرد، سازمان را فقط محل دریافت حقوق و انجام مسئولیت نمی بیند، بلکه آن را بخشی از هویت شغلی و انسانی خود تلقی می کند.

در چنین وضعیتی، موفقیت سازمان برای او امری بیرونی و بی ارتباط نیست؛ کامیابی مجموعه، رضایت او را افزایش می دهد حتی اگر خود او مستقیم در آن کامیابی دخیل نبوده باشد و از طرفی دشواری های سازمان، در نگاهش مسئله ای مشترک تلقی می شود حتی اگر آن دشواری، مسئله او نباشد. این همان نقطه ای است که فرهنگ سازمانی، از متن دستورالعمل ها جدا می شود و در رفتارهای روزمره جان می گیرد. واقعیت آن است که هیچ سازمانی صرفاً با ابلاغ ارزش ها و شعار دادن آنها، صاحب فرهنگ منسجم نمی شود.

در مجموعه های فرهنگی، به ویژه در فضای نشر، این موضوع اهمیتی دوچندان دارد. زیرا کارکنان تنها

البته باید پذیرفت که تعلق سازمانی، پدیده‌ای یک طرفه و یک‌سویه نیست. همان قدر که از همکاران انتظار وفاداری، دلسوزی و مسئولیت‌پذیری می‌رود، سازمان نیز باید نشان دهد که برای سرمایه انسانی خود ارزش واقعی قائل است. این ارزش‌گذاری فقط در پرداخت‌ها یا امتیازات مادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در کیفیت ارتباط، رعایت شأن حرفه‌ای افراد، فرصت رشد، امکان یادگیری، و حمایت در بزنگاه‌های دشوار خود را نشان می‌دهد. امروز بیش از هر زمان دیگر، سازمان‌ها برای پیشبرد اهداف خود به نیروی انسانی توانمند و در عین حال همراه نیاز دارند. انسجام فرهنگی، حاصل کنار هم قرار گرفتن دل‌هایی است که احساس می‌کنند دیده می‌شوند، اثر دارند و در خانه‌ای مشترک برای هدفی ارزشمند تلاش می‌کنند. در نهایت، سازمانی منسجم‌تر است که همکارانش در آن فقط «شاغل» نباشند، بلکه «وابسته به معنا» باشند؛ چنین سازمانی، در روزهای عادی منظم‌تر و در روزهای دشوار مقاوم‌تر خواهد بود. فرهنگ سازمانی، زمانی استوار می‌شود که تعلق سازمانی از یک احساس فردی به یک تجربه جمعی تبدیل شود؛ تجربه‌ای که در آن «من»‌های پراکنده، به «ما»یی هم‌دل و مسئول بدل می‌شوند.



مجتبی گلمزرگی / مدیر بازرگانی انتشارات به نشر

در کتابفروشی‌های به نشر چه خبر است؟

در روزهای اخیر، فروشگاه‌های به نشر تنها صحنه عرضه کتاب و کالا نبوده‌اند؛ بلکه به فضایی زنده، معنادار و فرهنگی تبدیل شده‌اند که در آن، کتاب و اندیشه در کنار زیبایی و نظم، تجربه‌ای متفاوت برای مخاطب رقم زده‌اند. مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند و خلاقانه در این فروشگاه‌ها انجام شده که نشان می‌دهد فروشگاه فرهنگی، اگر با نگاه درست اداره شود، می‌تواند فراتر از یک مکان تجاری عمل کند و به بخشی از جریان فرهنگی جامعه بدل شود.

یکی از مهم‌ترین اقدامات این روزها، فضاآرایی و متناسب‌سازی محصولات و کتاب‌های فروشگاه‌ها با محوریت رهبر شهید بود؛ اقدامی که در ایام تشییع آن شهید بزرگوار، حال و هوای خاصی به فروشگاه‌ها بخشید. در این بازه زمانی، چیدمان کتاب‌ها، ویتрин‌ها و بخش‌هایی از فروشگاه به گونه‌ای طراحی شد که ضمن حفظ زیبایی بصری، یاد و نام آن شخصیت برجسته و اثرگذار را نیز در ذهن مخاطب زنده نگه دارد. در کنار این فضاسازی، تخفیف ویژه برای کتاب‌های مرتبط با رهبر شهید نیز در نظر گرفته شد تا علاقه‌مندان بتوانند با سهولت بیشتری به این آثار دسترسی پیدا کنند.

در ادامه این رویکرد فرهنگی، حضور در نمایشگاه میدان جانباز نیز یکی دیگر از اتفاقات مهم و موفق



این دوره بود. در این نمایشگاه، مجموعه‌ای از کتاب‌های مرتبط با رهبری با ۴۰ درصد تخفیف عرضه شد که با استقبال خوبی از سوی بازدیدکنندگان همراه بود. این تجربه نشان داد که حضور فعال و هدفمند در رویدادهای فرهنگی، می‌تواند به معرفی بهتر ظرفیت‌های به‌نشر کمک کند و در عین حال، مخاطبان جدیدی را به دنیای کتاب و مطالعه پیوند بزند.

از دیگر اقدامات قابل توجه، ایجاد قفسه‌های تخصصی کتاب‌های مرتبط با حجاب در فروشگاه‌ها بود؛ اقدامی که با نگاهی فرهنگی و مسئله‌محور انجام شد. برای این بخش، حدود ۱۵۰ عنوان کتاب در موضوعات حجاب، عفاف، هویت زن مسلمان، خانواده و سبک زندگی تهیه و جانمایی شده است. این قفسه‌ها نه تنها پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان علاقه‌مند به این موضوعات هستند، بلکه به فروشگاه‌ها هویتی تخصصی‌تر و متمایزتر می‌بخشند. چنین ابتکاری می‌تواند الگویی برای سایر موضوعات فرهنگی نیز باشد و فروشگاه‌ها را از یک فضای عمومی به یک مرجع موضوعی تبدیل کند.

در کنار این فعالیت‌ها، طرح‌های دیگری نیز در دست اجراست که نویدبخش روزهای روشن‌تری برای فروشگاه‌هاست. طراحی جدید قفسه‌ها و ویتترین‌های فروشگاه سجاد و همچنین طراحی و زیباسازی فروشگاه مرکزی از جمله این برنامه‌هاست. این اقدامات، اگرچه در ظاهر به جنبه‌های بصری فروشگاه مربوط می‌شوند، اما در عمل تأثیر مستقیمی بر تجربه مخاطب، نظم محیط، جذابیت کالاها و حتی میزان فروش دارند. فروشگاه‌هایی که زیبا، منظم و متناسب با نیاز مخاطب طراحی شده باشد، بی‌تردید می‌تواند ارتباطی صمیمی‌تر و حرفه‌ای‌تر با مراجعه‌کننده برقرار کند.

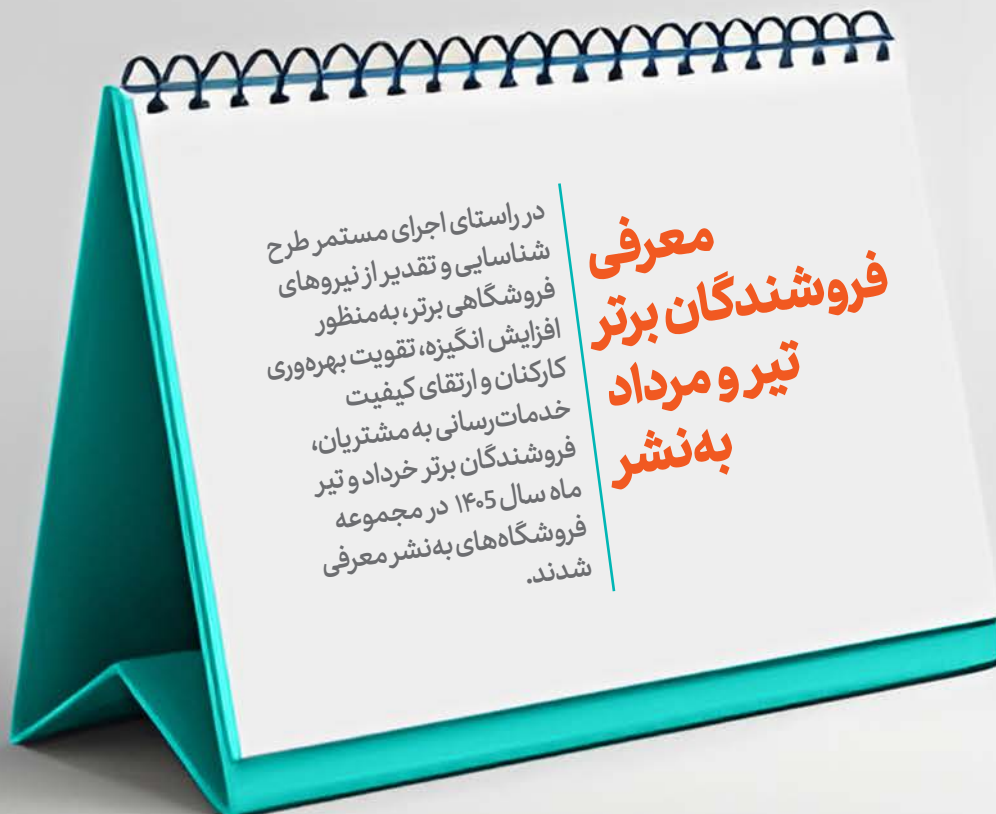
مجموع این رخدادها نشان می‌دهد که فروشگاه‌های به‌نشر، تنها محل خرید نیستند؛ بلکه می‌توانند به ویتترین‌هایی از فرهنگ، اندیشه و هویت تبدیل شوند. جایی که کتاب، کالا و فضا در کنار هم، روایت‌گر یک مأموریت فرهنگی بزرگ‌تر هستند.

فروشگاهی که زیبا،
منظم و متناسب با
نیاز مخاطب طراحی
شده باشد، بی‌تردید
می‌تواند ارتباطی
صمیمی‌تر و حرفه‌ای‌تر
با مراجعه‌کننده برقرار
کند.



آقای جواد آریایی با عملکردی درخشان در خرداد ماه، توانستند با فروش کلی کالا و محصولات فرهنگی رشدی چشمگیر در میزان فروش فروشگاه سجاد را رقم بزنند. ایشان با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین معرفی کتاب، افزایش تعامل مؤثر با مخاطبان و توسعه ارتباطات با مشتریان سازمانی، سهم بسزایی در ارتقای جایگاه فروشگاه داشته‌اند. خلاقیت، نوآوری در روش‌های فروش، و تعهد بالای ایشان در ارتباط‌گیری با اقشار مختلف مشتریان، از عوامل کلیدی در انتخاب ایشان به عنوان فروشنده برتر خرداد بوده است.

فروشنده برتر خرداد ماه: آقای جواد آریایی



**معرفی
فروشنده‌گان برتر
تیر و مرداد
به‌نشر**

در راستای اجرای مستمر طرح شناسایی و تقدیر از نیروهای فروشگاه‌های برتر، به‌منظور افزایش انگیزه، تقویت بهره‌وری کارکنان و ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی به مشتریان، فروشنده‌گان برتر خرداد و تیر ماه سال ۱۴۰۵ در مجموعه فروشگاه‌های به‌نشر معرفی شدند.

فروشنده برتر تیر ماه:

آقای حسین رزم خواه

آقای رزم خواه با تلاش پیگیرانه و حضور مؤثر در فروشگاه باب الجواد، موفق شدند رکوردهای بی نظیری در فروش کالا و کتاب رقم بزنند. تعامل گرم با مشتریان، و پیگیری مستمر در معرفی آثار شاخص، از ویژگی‌های برجسته ایشان است که موجب شد به عنوان فروشنده برتر تیرماه معرفی شوند. درایت اجرایی، روحیه مشارکت‌پذیر و توانایی در هماهنگی میان تیم‌های مختلف از جمله ویژگی‌هایی است که انتخاب ایشان را در این ماه رقم زده است.

در پایان، از زحمات این همکاران گران قدر که با تعهد، خلاقیت و تلاش مستمر خود در مسیر رشد و تعالی به نشر گام برداشته‌اند، صمیمانه قدردانی می‌شود. موفقیت‌های آنان الگویی الهام‌بخش برای سایر اعضای خانواده به‌نشر به‌شمار می‌رود.



پرفروش‌های ۲ ماه گذشته

ردیف	کتاب‌های بزرگسال	کتاب‌های نوجوان
۱	خانوم ماه	بچه‌های عاشورا
۲	تبیان ۱- آموزش روخوانی قرآن کریم	قصه ما مثل شد
۳	مشت ایران، ایران در دل و دیده رهبر شهیدش	شلوغ کاری‌های آقاجون
۴	اول وصف تو؛ روایت‌هایی از هم‌نشینی با سیدعلی حسینی خامنه‌ای	ماجرای دشت مرموز- جشن خرگوش‌ها
۵	راضی به رضا؛ امام رضا@ در دل و دیده رهبر شهید	اسم‌های شکلاتی؛ قصه‌هایی درباره اسم‌های خداوند
۶	رأی ژوری؛ شهادت انیران درباره رهبر شهید ایران	داستان یک مرد- قصه حضور حبیب بن مظاهر در کربلا
۷	جزیره گمشده من	راهنمای دوختن زمین به آسمان
۸	آخرین فرصت	قصه‌های قشنگ ایرانی
ردیف	کتاب‌های کودک و خردسال	
۱	ترانه‌های کی بود کی بود	
۲	مجموعه رنگ آمیزی	
۳	اردکی به نام قات قات	
۴	رنگ آمیزی کشتی نوح	
۵	یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی- راز پاپا	
۶	گلدان حنا	
۷	سه نکته مامان‌ها- داستان‌های پاپا	
۸	کلوچه خال خالی- داستان‌های پاپا	
ردیف	سایر ناشرین	
۱	خون دلی که لعل شد؛ خاطرات آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای	
۲	کهکشان نیستی؛ داستانی بر اساس زندگی آیت الله سیدعلی قاضی طباطبایی	
۳	آیات فتح و نصر- توصیه رهبر شهید برای پیروزی جبهه مقاومت	
۴	حاج آقا اجازه! احکام برای کودکان به زبان ساده	
۵	نماز باحال؛ یه سفر پرماجرا به دنیای نماز	
۶	چت با جناب شیطان	
۷	در آغوش نیل؛ مروری جامع بر موضوع سنت‌های الهی در اندیشه حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای	
۸	سلام بر ابراهیم!؛ زندگی نامه و خاطرات شهید ابراهیم هادی	





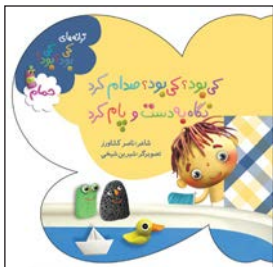
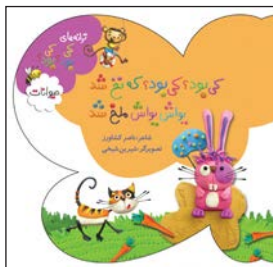
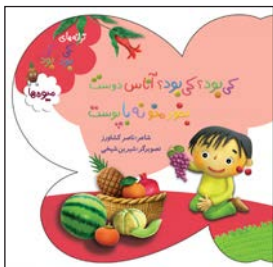
بزرگسال

نوجوان





کودک



کودک

کودک



سایر
ناشرین



• نویسنده: نجمه جوادی و دیگران | • صفحه آرا: ایرج جنانی | • قطع: رقعی / ۹۶ صفحه
• طراح جلد: سید حامد الحسینی | • ویراستار: لیلا بحری | • قیمت: ۱۱۰,۰۰۰ تومان

۱ زیتون سرخ

«زیتون سرخ» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با محوریت فلسطین، غزه و مقاومت انسان‌هایی است که در دل رنج، امیدارزنده نگه داشته‌اند. نویسندگان این مجموعه با الهام از شخصیت‌های واقعی و رخداد‌های معاصر، روایت‌هایی خلق کرده‌اند که فقط بازگوکننده جنگ نیستند؛ بلکه از عشق، ایثار، شجاعت و کرامت انسان سخن می‌گویند. در هر داستان، مخاطب با چهره‌ای از انسان‌هایی روبه‌رو می‌شود که با همه سختی‌ها، برای حفظ هویت، سرزمین و آرمان‌های خود ایستاده‌اند. از ریچل کوری، فعال آمریکایی صلح، تا مونا الکرد، احسان و دیگر شخصیت‌های کتاب، همگی نمادهایی از مقاومت و مسئولیت انسانی‌اند که مرزهای جغرافیایارادرمی نوردند.



نویسنده: کامران پارسی نژاد | تصویرگر: مهدی بادیه پیمما
طراح گرافیک: روح الله محمودیان و نعیمه دین پناه | قطع: وزیری / ۵۶ صفحه

۲

مرور داستانی زندگی شیخ بهایی از دوران کودکی در لبنان با زبانی شیرین و صمیمی است. این کتاب روایت روزهایی که ناامنی و سختی، خانواده او را ناچار به مهاجرت به ایران کرد. اما همین مهاجرت، آغاز فصل تازه‌ای در زندگی کودکی شد که بعدها به یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان جهان اسلام تبدیل شد.

آنچه این کتاب را خواندنی و الهام‌بخش می‌کند، تنها روایت زندگی شیخ بهایی نیست؛ بلکه نشان می‌دهد چگونه عشق به دانش، پشتکار و ایمان، انسانی را به قله‌های علم می‌رساند. شیخ بهایی در فقه و علوم دینی از برجسته‌ترین عالمان زمان خود بود، در ریاضیات و نجوم صاحب نظر بود، در معماری آثاری ماندگار از خود به یادگار گذاشت، در شعر و ادبیات فارسی و عربی خوش درخشید و در فلسفه، مهندسی و دیگر دانش‌ها نیز دستی توانا داشت. کمتر شخصیتی را در تاریخ می‌توان یافت که این همه دانش را در وجود خود جمع کرده باشد.

«آن مرد آمد» فقط زندگی نامه شیخ بهایی نیست؛ داستان انسانی است که ثابت کرد مرزی برای یادگیری وجود ندارد و کسی که با ایمان، تلاش و عشق به علم زندگی کند، می‌تواند در عرصه‌های گوناگون بدرخشد و نام خود را برای همیشه در تاریخ ماندگار سازد.



۳ جشن کلاه شاپو • نویسنده: هادی حکیمیان • طراحی گرافیک: سعید سلیمی
• تصویرگر: سمیه رحمتی خواه • قطع: رقعی / ۲۰۰ صفحه

رمانی نوجوانانه که داستانی تاریخی و پرکشش دارد و مخاطب را به سال‌های حکومت رضاشاه پهلوی می‌برد؛ دورانی که اجرای اجباری قانون کلاه شاپو و سیاست‌های غرب‌گرایانه حکومت، زندگی و باورهای مردم را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده بود و زمینه‌های شکل‌گیری قیام مسجد گوهرشاد را فراهم می‌کرد. این اثر که به شهدای گمنام قیام گوهرشاد تقدیم شده، روایتگر بخشی از مقاومت مردم مشهد در برابر این سیاست‌هاست و تاریخ را در قالب داستانی جذاب و گاهی طنز برای نوجوانان بازآفرینی می‌کند.

شخصیت‌های دوست‌داشتنی، گفت‌وگوهای زنده، بازآفرینی دقیق فضای مشهد قدیم و روایت پرحادثه، از ویژگی‌هایی است که «جشن کلاه شاپو» را به اثری جذاب و ماندگار تبدیل کرده است.



ارتباط با ما

فهرست و آدرس فروشگاه‌ها

فروشگاه‌های کتاب به‌نشر در مشهد

- * فروشگاه شماره ۱ (مرکزی): خیابان امام خمینی، روبه روی باغ ملی ۳۳۲۱۰۵۰۰
- * فروشگاه شماره ۲ (کتابخانه مرکزی): حرم مطهر - جنب کتابخانه مرکزی ۳۳۲۵۲۰۸۲
- * فروشگاه شماره ۳ (کفایی): خیابان دانشگاه، حد فاصل خیابان شهید کفایی و میدان دکتر شریعتی ۳۸۴۰۳۱۱۶
- * فروشگاه شماره ۴ (شیرازی): حرم مطهر، خیابان آیت الله شیرازی، جنب پارکینگ شماره ۴، کوچه آستانه پرست ۳۳۲۸۱۲۲۲
- * فروشگاه شماره ۵ (خواجہ ربیع): خیابان خواجہ ربیع، جنب آرامگاه خواجہ ربیع ۳۷۴۲۲۷۲۸
- * فروشگاه شماره ۶ (نواب صفوی): حرم مطهر - ورودی خیابان شهید نواب صفوی، جنب آرامگاه پیرپالاندوز ۳۳۶۶۹۶۹۴
- * فروشگاه شماره ۷ (سجاد): بلوار سجاد، بین سجاد ۸ و ۱۰، چهارراه بزرگمهر، مقابل بانک ملی ۳۷۶۱۴۴۰۳
- * فروشگاه شماره ۸ (کتاب رضوی - باب الجواد): حرم مطهر، ورودی باب الجواد ۳۳۲۱۵۴۰۳
- * فروشگاه شماره ۹ (امامت): بلوار امامت، نبش امامت ۸، ۳۶۰۸۲۳۷۷
- * فروشگاه شماره ۱۰ (کتاب رضوی - طبرسی): حرم مطهر، ورودی خیابان طبرسی نبش کوچه آستانه پرست ۳۳۳۳۴۶۴۹
- * فروشگاه شماره ۱۲ (باب الرضا): حرم مطهر، ورودی باب الرضا ۳۳۶۶۸۸۰
- * فروشگاه شماره ۱۳ (شهدای تیپ فاطمیون مدافع حرم): شهرک شهید آوینی (گلشهر)، خیابان شفیعی، نبش شفیعی ۱۹ - ۳۳۵۷۰۳۴۴
- * فروشگاه شماره ۱۵ (واحد فروش): میدان بیمارستان امام رضا، ابتدای خیابان رازی ۳۸۵۱۴۸۴۰
- * فروشگاه شماره ۱۶ (باب القبله): ابتدای خیابان اندرزگو، حدفاصل میدان بیت المقدس و باب الجواد ۳۳۳۹۰۶۱۰
- * فروشگاه شماره ۱۷ (راه آهن): بلوار شهید کشوری، میدان راه آهن، ایستگاه راه آهن، داخل سالن انتظار ۳۸۵۹۷۵۲۰
- * فروشگاه شماره ۱۸ (دارالشفاء): ابتدای خیابان آیت الله طبسی، ورودی حرم مطهر، بست غدیر، جنب شرکت فاوا ۳۳۳۹۰۹۹۷
- * فروشگاه شماره ۲۰ (باغ رضوان): حرم مطهر رضوی، بست شیخ طبرسی، باغ رضوان ۳۸۵۹۷۵۲۰

فروشگاه‌ها و نمایندگی‌های فروش به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) در کشور

- * تهران: خیابان انقلاب روبروی درب اصلی دانشگاه تهران ۶۶۴۷۵۱۹۰-۲۱
- * قم: چهارراه شهدا، ابتدای خیابان صفائیه، مقابل صفائیه ۱۵، ۳۷۷۷-۳۷۸۳۰-۲۵
- * تبریز: خیابان دانشسرا، جنب اداره سازمان تبلیغات اسلامی ۳۵۲۵۲۲۴۲
- * گرگان: میدان سرخواجه ۴، جنب دفتر نمایندگی آستان قدس ۳۳۲۶۶۰۶۱-۰۱۷
- * بیرجند: خیابان شهدا، داخل شهید ۳، ۳۳۲۳۰۲۶۱-۰۵۶
- * تربت حیدریه: خیابان کاشانی، بین کاشانی ۱۷ و ۱۹، فروشگاه به‌نشر ۵۲۲۴۰۵۷۰
- * درگز: بلوار امام خمینی، جنب کتابخانه آستان قدس ۴۶۲۳۰۸۸۲
- * نیشابور: خیابان عدالت - نبش کال منوچهری ۴۲۲۲۷۴۴۴
- * قوچان: بلوار مصلی، طبقه همکف کتابخانه آستان قدس رضوی ۴۷۲۳۸۸۹۲
- * خرم‌آباد: خیابان علوی روبروی کوچه دانش، طبقه همکف دانشگاه امام حسین ۳۳۴۱۸۱۵-۰۶۶
- * شاهرود: خیابان ۱۷ شهریور، موسسه مطبوعاتی راه دانش ۳۳۲۲۱۴۳۲
- * طبس: امام زاده حسین بن موسی الکاظم، فروشگاه به‌نشر ۳۳۲۸۱۳۲۵۳-۰۵۶
- * زاهدان: خیابان دانشگاه، دانشگاه ۲۵، ۳۳۴۳۳۸۱۷۴-۰۵۴
- * رشت: خیابان امام خمینی، چهارراه میکائیل، جنب آزمایشگاه رازی ۳۳۳۳۴۵۶۹
- * کیش: شهرک صدف، فاز ۲، میدان گلستان، مسجد امام حسن عسکری، دفتر عصر انتظار ۴۴۴۴۰۹۶۶
- * سرخس: بلوار امام رضا، روبروی بلوار کارگر ۳۴۵۲۷۵۶۴-۵۱

مخاطب عزیز

از توجه شما به کتاب رضوی سپاسگزاریم. هر رسانه‌ای برای رسیدن به موفقیت به تعامل دوسویه با مخاطب خود نیازمند است. از شما درخواست می‌شود نظرها، انتقادهای، پیشنهادهای و مطالب ارزشمند خود را برای ما ارسال کنید و در پربارتر کردن و غنای کتاب رضوی یاری‌گر ما باشید.

برای اطلاع از آخرین رویدادها و کتاب‌های به‌نشر به سایت و یا شبکه‌های اجتماعی به نشر مراجعه و ما را دنبال کنید.

دفتر مشهد: تلفن و دورنگار:
۰۵۱۳۶۵۲۰۰۸

دفتر تهران: تلفن و دورنگار:
۰۲۱۸۸۹۶۰۴۶۶

سامانه پیامکی: ۳۰۰۳۳۰۹
شبکه‌های اجتماعی:
@behnashr
۰۹۰۲۷۶۵۲۰۰۸

اینستاگرام:
@behtarinhaye_nashr
نشانی اینترنتی:
www.behnashr.ir
پست الکترونیکی:
behnashr@gmail.com
پست الکترونیکی ارسال اثر:
publishing@behnashr.com

رضوان الله
تعالی علیه

اهدایی رهبر شهید
به همراه دستخط ایشان

نسخه نفیس

کلام امجد

به خط عبدالله رنانی



بسم الله الرحمن الرحیم

این نندی نفیس کلام امجد به خط طابت الهی
مرحوم عبدله رنانی الهی و مشهور آستان مقدس حضرت
(ع) ابی الحسن رضا علیه آلاف التحية والثناء . و این نندی
از جهت زیبایی خط و معنی باری در دین است
شایسته تکرار و تکرار است . و به این مناسبت

سر محمد

۱۳۹۵ ر.م

